

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

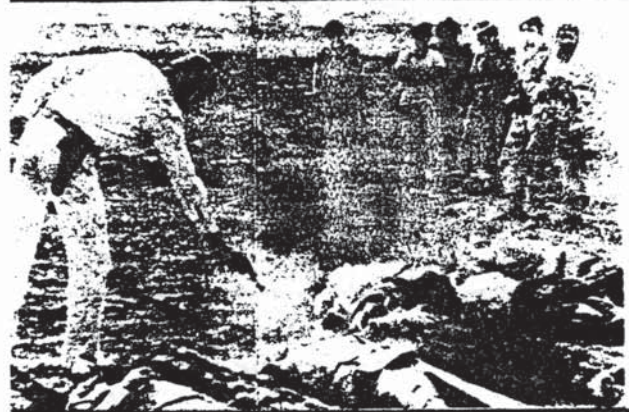
۳۳

# پیکار

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

- آقای بازرگان  
پس چرا این بار لبخند رضایت؟! در صفحه ۶
- در هفته‌ای که گذشت  
در صفحه ۱۲
- اخبار تهران و حومه  
در صفحه ۹
- اخبار شهرستانها  
در صفحه ۱۱

دوشنبه ۹ مهر ماه ۱۳۵۸ بها: ۲۰ ریال



## اخباری از کردستان

# خلق کرد می رزمند

در صفحه ۳

## ولایت فقیه "گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود!" (۲)

در صفحه ۲

## چنبش گاوگری

- مبارزه کارگران شرکت تکنوکار
- خبری از کارخانه صنعتی مهر
- گزارشی از کارخانه
- گروه صنعتی پارس (مینو)
- اعتصاب در
- کشت و صنعت کارون

در صفحه آخر

## گوشه‌ای از: مبارزات دهقانی در مازندران

- روستائیان برای احقاق حق خود بر علیه زمینداران مبارزه میکنند
- ژاندارمری و کمیته‌ها بنفع زمینداران و بر علیه روستائیان زحمتکش وارد عمل می‌شوند.

در صفحه ۷

## مظلومیت بخش خصوصی!!

بازرگان این خدمتگذار صدیق سرمایه داران با اظهاراتی که در پیام رادیو تلویزیونی خود در تاریخ اول مهرماه بعمل آورد، یکبار دیگر ما هیت واقعی خود را برای توده‌ها به نمایش گذارد. او بار دیگر نشان داد که نماینده سینه-چاک منافع سرمایه داران و دشمن سرسخت کارگران و توده‌های زحمتکش است.

بقیه در صفحه ۶

## خلق‌های ایران و منطقه نسبت به حرکت‌های امپریالیسم آمریکا و عمالش در خلیج فارس، هشیارند!

- فرماندهان جنایتکار ارتش شاه که خلق عمان را قتل عام کردند، بر سرکار باقی هستند.

در صفحه ۸

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

## "ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود! (۲)

در شماره قبل روی این نکات تاکید کردیم که روحانیون مشروع طلب‌بهر وسیله منجمله با سوءاستفاده از احکامات مذهبی مردم می‌کشند حاکمیت "بادآورده" خویش را، بصورت حاکمیتی بی‌چون و چرابرسنوت مردم جاودانه کنند، و افزودیم که اصل ولایت فقیه با حاکمیت خلق و ابتدایی‌ترین آزادی‌های فردی و اجتماعی تضاد آشکار دارد و بالاخره با استناد به سخنان مراجع تقلید و بالخصوص آیت‌الله خمینی گفتیم که "اصل ولایت فقیه" کاملاً اسلامی است و اینککه اسلام همین است و لاغیر.

در بسط و ادامه مطلب پیشین به مسائل زیر می‌پردازیم:

### الف) چرا اجرای اصل "ولایت فقیه" کشور را به دوران ملوک الطوائفی و به "بلیشوشی" که میتوان آنرا به حاکمیت قانون جنگل تعبیر کرد می‌کشد؟

قبل از هر چیز ببینیم که نقطه نظر طراحان و مدافعین این اصل در مورد "فقیه" و رابطه آن با توده‌ها چیست؟ آیت‌الله خمینی بپیش خود را در این باره در کتاب حکومت اسلامی صفحه ۵۶ چنین بیان می‌دارد:

"ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد ما ننند جعل (قرار دادن و تعیین) قیم برای صفای ملت یا تم صفای لفاظ و طیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد." (تاکید از ماست)

در این روایت "چوپیان و گله‌ای" آنها معقول است که "قیم" (فقیه) برای ملت (که در حد صفای و محجورین محسوب شده است) حق رای و آزادی تعیین سرنوشت خود قائل شود؟ و آیا تمام حرفه‌های که پیش از انقلاب بعنوان "هندوانه زیر بغل" مردم گذارده می‌شد که شما چنین و چنانید و در حکومت اسلامی آزادی‌های فلان و بهمان وجود دارد، بی‌بایه نبوده است؟ حالا بگذریم از اینکه مترادف دانستن ملت بزرگ ما با "صفار" و محجورین، چه توهین نفرت‌انگیزی بسمه ملیونیا توده زحمتکش است که با مبارزات قهرمانانه شان شورانگیزترین حماسه‌های مبارزات طبقاتی را آفریدند.

تازه مشکل اینجا است که کار "ملت" به "یک" "قیم" ختم نمی‌شود که بقول معسوف بگوئیم "مرگ یکبار، شیون یکبار"؛ بلکه فاجعه از اینجا آغاز می‌شود که حتی اگر قانون اساسی هم تصویب شود و در کشور، فقیه اعلم و رسمی هم داشته باشیم براساس همین "ولایت فقیه"، آن فقیه اعلم و رسمی و حاکم نمی‌شوند جلوی فقیه دیگر را که نظری مخالف او دارد بگذرد و آن فقیه می‌تواند بر اساس تشخیص خود "حد اسلام" را اجرا کند و مخالفت هیچ فقهی نمی‌تواند مانع اجرای کار او شود.

به سخنان آیت‌الله خمینی در صفحه ۵۷ کتاب حکومت اسلامی توجه کنید:

"همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص)

و امام در تشکیل حکومت و اجرای آن اداره هست برای فقیه هم هست. لکن فقیه، "ولایتی مطلق" باین معنی نیستند که بر همه فقهایی زمان خود ولایت داشته باشند و بتوانند فقیه دیگری را عزل و نصب نمایند. در این معنی مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین‌تر باشد، یکی والی دیگری والی‌تر باشد.

"پس از ثبوت این مطلب، لازم است که فقیه اجتناباً با انفراداً برای اجرای حدود (یعنی مجازات گناهکاران مثلاً شلاق زدن و دست‌بریدن و...) و حفظ شرف و نظام حکومتی شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است (یعنی بسر

او واجب است که خود اقدام کند) و گرنه واجب‌کفائی است (یعنی اگر دیگران اجرا کردند از عهده او ساقط است) در صورتی هم که ممکن نباشد ولایت ساقط نمی‌شود زیرا از جانب خدا منصوبند." (تاکید و پراکنده‌ها از ماست)

بر این اساس هر یک از فقهائ بر اساس تشخیص خودشان، حتی اگر مخالف حکم مرکز (فقیه اعلم) هم باشند، می‌توانند (و باید) چون وظیفه شرعی‌شان هست "اجرای حدود" کنند. برای مثال هر محتجی که به اعتراض گذارند بگذرد کامل از درهای معمول در "حوزه‌های علمیه دینی" به اخذ درجه افتخار نائل می‌شود و شرایطی نظیر عدالت و تقوا و "مدیر و مدیر و شجاع" بودن (بنا به تمییز تصویب شده مجلس "خبرگان") هم در او باشد که البته احراز این صفات کلی و مبهم و بی‌درو پیکر از عهده هر آدم زیرکی ساخته است - خود یک فقیه می‌باشد و هیچکس را جرات آن نخواهد بود که با او بگوید "بالاتر چشمت ابروست"؛ یک مثال قصبه را روشن‌تر می‌کند:

در مصاحبه روزنامه جنبش شماره ۴۰ ششم خرداد ۵۸ با آیت‌الله طالقانی، چنین آمده است:

"س: در باره رای غیابی شاه و خانوا - ده‌اش بوسیله آیت‌الله خلخالی که آقای دکتر یزدی تکذیب کرده‌اند نظر شما چیست؟

ج: حتی اگر آقای خلخالی رئیس دادگاه انقلاب نباشد مثل هر محتج دیگری حکم اجتهاد می‌تواند آنها را با دیگری را که از جنابانش آگاه باشد مبدورالدم (محکوم سرگ) اعلام کند و حکم قتلش را صادر کند."

صرف نظر از آن رای غیابی که صحتش را هزاران شهید تأیید کرده‌اند، رنجاری به حکم غیابی این یا آن نیست، بحث ما در "صلاحیت" هر محتجی برای مبدورالدم اعلام کردن افرادی است که از نظر او مجرم تشخیص داده شوند.

اگر هر یک از "رساله‌های عملیه"

متعلق به مراجع تقلید را ورق بزنیم در هر صفحه و بلکه در هر چند سطر به احکام متناقضی که غالباً هم‌اها بقیده‌های "علی - الاحوط" با "احتیاط برابست" که "آمده است، برصخوریم، آنهم در مسائلی نظیر شکایات نماز یا غسل "مس میت" و... چه برسد به مسائل بسیار مهم و پیچیده‌ای که حضرات امروزه میخواهند در باره آنها نظر بدهند! در مورد مسائلی نظیر ربا و بهره بانکی، یکی ربا را حرام میدانند و میخواهد بانکها را با مصطلح اسلامی کند (گویا بانک هم اسلامی می‌شود!) و دیگری چند هزار تومان نزول را با یک کله قند "حلال" می‌فرماید.

مثالی دیگر:

نگاه کنید به احکام اعدام یا شلاق... که درباره جراثمی نظیر همکاری با ساواک آتش‌کشودن روی مردم، اختلاس اموال عمومی فریب مردم بشفیع رژیم شاه خاش و بسا جراثمی نظیر زنا و لواط و... که در مقابل جرم واحد در هر شهرستان مجازات‌هایی به مرحله اجرا درآمده است. که گاه زمین‌نا آسمان با یکدیگر اختلاف دارند. این تناقض در آراء حکام شرع، که همگی "فقیه" هم هستند و البته "ولایت" یعنی حاکمیت بی - چون و چرا هم دارند، بخوبی بسیار خفیف، مورد اعتراف بی‌شمار هم در مجلس "خبرگان" (هنگام بحث اصل ولایت فقیه) قرار گرفت. در چند ماهه اخیر عملکرد "ولایت فقیه" و احکام شرع "آنهم تنها در برخی زمینه‌ها بخوبی عمق عقب‌مانده خود را نمایان گذاشته است.

احکام ظالمانه اعدام که در مورد تعداد پر شماری از افراد، بجرم زنا و مفاسد اخلاقی دیگر، به مرحله اجرا درآمده است (رجوع شود به روزنامه‌ها که هر روز لیست میدهند)، احکامی که نشان می‌دهد چگونه بجای علت به جنگ معلول رفته‌اند، بسجای ساختن زیرساختی سالم، میخواهند روینارا اصلاح کنند (آنهم روینارهایی که تنها خوشایند خودشان است). آری این نظریه هادر همین چند ماهه اخیر فجابی بسیار آورده که انجام آن تنها در قرون وسطی ممکن بود. این اعمال و جنایات آنچنان کهنه و ارتجاعی است که حتی اعتراض برخی از خودروحا نیون (البته روحانیون جوان و غیر فقیه!) را نیز برانگیخته است:

آقای سید احمد خمینی در گفتگو با روزنامه با مداد (اول مهر) می‌گوید:

"بعضی وقتها آدم گیج میشود. در روز - نامه میخوانم فلان زن را بمناسبت اینکه فلان کار را کرده اعدام کردند. ممکن است که آن زن شریفتر از زنها باشد، اما بجهت آنان ندارد. ممکن است آن زن از افرادی باشد که فقط و فقط برای اینکه... زندگی خودش را همین مقدار بخور و نمیر، نه بصورت تجملاتی، که اگر بصورت تجملاتی باشد حقش است، بلکه در حد همان بخور و نمیر اداره کند، دست‌بیک سری کارها بزند. چرا نزنند، کدام زنی است که زندگی‌اش را شما اداره کرده باشید... مگر دیوانه است که برود بدکاره شود. این زن بقیه در صفحه ۱۱

## اخباری از کردستان

### ■ مه‌باد

#### تظاهرات خلقی

عمر چهارشنبه ۵۸/۶/۱۴ مردم جلوی فرمانداری مه‌باد جمع شده بودند و یک خبرنگار خارجی نیز مشغول مباحثه با آنها بود که پاسداران سر میرسد و خبرنگار را دستگیر و میخواستند با خود به پادگان ببرند. مردم با اعتراض شدید خبرنگار را از دست پاسداران آزاد می‌کنند و به تظاهرات می‌پردازند. ابتدا تعداد آنها نزدیک ۴۰۰ نفر بود، اما طولی نکشید که جمعیت به حدود ۴۰۰۰ نفر رسید و بطرف پادگان راه افتادند. هنوز به پادگان نرسیده بودند که تانکها بطرف آنها حرکت کرده و پاسداران شلیک هوایی می‌کنند. مردم به تانکها نزدیک شده و عکس‌شیر عزالدین را به آنها می‌چسبانند. برخی از شمارهای تظاهرات کنندگان عبارت بود از:

" رهبر راسته قیننه - ملائیک عزالدیننه " " شیخ عزالدین رهبره ، بوکوردستان سروره " " تا خون در رگ ماست ، حسینی رهبر ماست " درود برحسینی. تظاهرات بعدت ۲ ساعت ادامه داشت .

#### عقب نشینی پاسداران

صبح زود روزشنبه ۵۸/۶/۱۷ پاسداران بر درو دیوار شهر شمارهایی با مضمون مرگ بر شیخ عزالدین کمونیت - مرگ بر عزالدین - فاسد و ... می‌نویسند. حدود ساعت ۱۰/۵ مردم جلوی شهرداری که شمارهای بالا باخط درشت آنجا هم نوشته شده بود اجتماع می - کنند و خواستار پاک کردن شمارها میشوند. در این موقع یک ماشین پر از پاسدار بمحل می‌آید. سارده پاسداران از مردم عذر - خواهی می‌کند و می‌گوید ما این شمارها را ننوشتیم ولی آنها را پاک می‌کنیم . مردم خودشان شمارها را پاک می‌کنند و چندشمار هم بنفع عزالدین می‌دهند، تا اینکه ماشین دیگری که مسلسل کالیبر ۵۰ روی آن نصب شده بود و تعدادی پاسدار سرنشین آن بودند سر می‌رسد، و گلوله‌ای هوایی شلیک می - کند. مردم آنها را هومی‌کنند. در این هنگام یک افسر شهربانی ماشین پاسداران را از محل دور می‌کند و مردم متفرق میشوند.

#### شکنجه بشیوه ساواک

روز یکشنبه ۵۸/۶/۱۸ حدود ساعت ۲ بعد از ظهر پاسداران با ماشین به چهارراه آزادی می‌آیند و عکس‌شیر عزالدین را از دیوار کنده و بجای آن عکس‌آبت‌الله‌خمینی

را نصب میکنند. در اینموقع یکی از جوانان شهر عکس‌را می‌کند و پس از مجامه کردن جلوی پاسداران می‌اندازد. پاسداران بهت زده از ماشین پیاده شده و گلنگدن تفنگ - هایشان را می‌کنند، در این لحظه جوان کرد دیگری نارنجکی را از جیب خود درمی‌آورد و سریع بطرف پاسداران میرود. پاسداران فرار می‌کنند و بعد از حدود ۱۰ دقیقه دیگر با چندین ماشین پاسدار دیگر بر می‌گردند . اما مردم چهار راه آزادی را ترک کرده - بودند. آنها شب هنگام و به تلاقی عمل بعد از ظهر مردم ، عده ای از جوانان شهر را ( حدود ۱۳ نفر) که سر این چهار راه نشسته بودند ، دستگیر می‌کنند و مسورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار می‌دهند (نمونه این شکنجه‌ها کتک زدن شدید، در ساعات ۲ و ۳ بعد از نیمه شب بردن آنان به میدان تیر و تهدید به اینکه اکنون شما را اعدام می‌کنیم ، اشهدتان را بخوانید و بعد با رگبار هوایی ترسانده ، کشیدن آلت تناسلی آنها بطرز فجیع و ....) جوانان دستگیر شده را پس از دو روز با سروسیل تراننده آزاد کردند.

#### تظاهرات فرمایشی!

عمرشنبه ۵۸/۶/۱۷ حدود ۲۰۰ پاسدار در مه‌باد به تظاهرات پرداختند. شمار آنها عبارت بود از: " بفرمان خمینی ، کرد برادر ماست - بدستور الله ، به امر روح الله ، کرد برادر ماست . " در همین تظاهرات یکی از پاسداران از داخل ماشینی سخنرانی میکرد و می‌گفت: " ما پاسداران دشمن شما نیستیم ، ما برای آزندگی به اینجا آمده‌ایم . " مردم بهیچوجه در این تظاهرات شرکت نکردند و می‌گفتند: " ما خودمان اینجا نشسته ایم ، اینجا می‌آیند برایمان تظاهرات می‌کنند ! " تظاهرات بوسیله پاسداران مسلح و ماشینی که روی آن مسلسل کالیبر ۵۰ کارگذاشته شده بود، محافظت میشد .

#### علیه قتل عام "قارنه"

روز دوشنبه ۵۸/۶/۲۶ تظاهراتی بمنظور پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی و محکوم - نمودن قتل عام روستای " قارنه " در مه‌باد برگزار شد . جمعیت تظاهرات کنند ه ۲۰۰۰ نفر بودند و تظاهرات نیم ساعت ادامه داشت . در این روز ارتشبان و پاسداران از برگزاری تظاهرات جلوگیری نکردند. شمار - های تظاهر کنندگان عبارت بود از: " رهبری راسته قیننه ملائیک عزالدیننه "

( رهبر حقیقی ما - شیخ عزالدین است ) ، " نبزی هیزی پیش مرگه - دوزمن نسبیست مرگه " ( زنده باد قدرت پیش مرگه - دشمن نصیب تو مرگه ) ، هیزی که ل هیزی خه بات ورا به رین - بوته وهی میلیله تبه سهر به رزی به رین " ( قدرت خلق قدرت انقلاب است - برای اینکه ملت با سرفرازی زندگی کند ) ، کوردوستان ، کوردوستان ، گورستانی فاشیستان " ( کردستان ، کردستان - گور - ستان فاشیستها ) ، " به هیز میشک و بازو - غلاسیمان دبه زو " ( به قدرت اندیشه و بازویمان بزودی آزاد خواهیم شد ) . این تظاهرات با شعار: یکیتی ، شه - کوئان ، سه رگوتن ( اتحاد - مبارزه - پیروزی ) به پایان رسید. پس از متفرق شدن مردم ، چند ماشین پاسدار به چهارراه آزادی آمد ه و اعلامیه‌هایی را که به دیوار چسبانده شده بود کردند!

#### خودداری از ثبت نام

دانش‌آموزان مه‌باد در اول سال تحصیلی اسامی ثبت نام نکرده‌اند. و در عوض تظاهراتی با شرکت هزاران تن در این روز برگزار شده است. در جریان این تظاهرات پاسداران بسوی مردم آتش‌گشوده‌اند که بقرار اطلاع ۶ نفر کشته و عده‌ای نیز زخمی گردیده‌اند.

حدود ساعت ۱۰ شب دوشنبه ۵۸/۶/۱۹ چند تن از پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان به ستاد پاسداران در مه‌باد ( محل سابق ستاد چریکهای فدائی ) حمله می‌کنند ، در این حمله دو پاسدار کشته و سه نفر از زخمی می‌شوند.

روز یکشنبه یک افسر شهربانی، هنگامی که می‌خواست اعلامیه‌ای را از دیوار بکند بوسیله مردم تشییع گردید .

- حدود ۵۸/۶/۲۸ یک ساواکی معروف که در کمیته فعالیت میکرد بوسیله یکی از پیشمرگان که بطور مخفیانه بشهر نفوذ کرده بود، ترور میشود. مردم از این واقعه بسیار خوشحالند.

#### ■ پیرانشهر

روز دوشنبه ۵۸/۶/۱۹ ارتش همسراه تعدادی پاسدار از پیرانشهر بطرف سردشت حرکت می‌کند، در ۳۵ کیلومتری پیرانشهر و در فاصله روستاهای شیوه مره و حذرآباد پیشمرگان کرد به آنها حمله کرده و تعداد



برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

## رهنمودهایی به رزمندگان خلق کرد در شهرها

خواهد داد. اعلامیه در پایان رهنمود - هائی به مبارزین بدین شرح داده است:

۱- نوشتن شعار بر روی دیوارها، مضمون شعارها در رابطه با وابستگی به امپریالیسم و مسئله ملی و هجوم فاشیستی به کردستان و شعارهای تبهیچی برای تقویت روحیه میباید.

۲- نوشتن اسامی جاشا و عمال خودفروخته روی دیوارها و اسکناسها و تهدید آنها به ترور.

۳- برای انداختن حرکتهای انقلابی (نظا هرات و ضمن و اعتماد) - برقرار ساختن ارتباطات قطع شده با گروهها و سازمانهای انقلابی از کانال تشکیلاتی - تحریم گرفتن روغن و برنج و غیره افشاکردن حیلله های رژیم - ایجاد هسته های قابل اطمینان برای کارمطالعه و بررسی اوضاع شهر و منطقه - برپیز از هرگونه محافظه کاری (کسانیکه امکان کار عملی در شهر دارند باید در شهر باشند) - تشویق مردم در خودداری از سوزاندن کتاب و تحویل دادن اسلحه.

۴- تکثیر اعلامیه و تراکت بوسیله چاپ دستی و با رعایت مسائل امنیتی - نوشتن اخبار صحیح از اعمال انقلابی مردم و نیروهای انقلابی بر روی کاغذ و نصب آن در مکانهای عمومی.

اعلامیه با چندین بار با بان می پذیرد.

همچنین اعلامیه دیگری از هواداران سازمان در سقز بدست ما رسیده که شیوه "کشتار و تحمیب رژیم راحت عنوان "بایکدست گلوله بایکدست روغن" افشا کرده است.

اعلامیه ای تحت عنوان رزمندگان انقلابی از طرف هواداران سازمان ما در سقز انتشار یافته که در بختی از آن چنین آمده است:

"... بدون شک کردستان بگاز عقب مانده ترین مناطق و خلق کرد یکی از تحت ستم - ترین خلقهای ایران است که همواره تحت ستم دوگانه ملی و طبقاتی به بدترین شکل خود بوده است و این خود انگیزه حرکتهای اصیل انقلابی و جنبشهای حق طلبانه در میان خلق کرد است و هیئت حاکمه ضد خلقی با توجه به ناتوانی خود و در پاسخگویی به خواسته های برحق، آنرا به خاک و خون می کشد. تشکیل جمعیت ها، اتحادیه ها و تشکلهای توده ای محصول حرکتهای فوق الذکر بود و میرفت تا شکل واقعی بخود بگیرد، ولی یورش فاشیستی و مغول آما که باد فاشیستهای ایتالیائی و آلمانی را زنده می کند این ارگانهای حاکمیت خلق را بر هم زد و رکودی در ادا مسآ آن بهار آورد ولی خلق همچنان می رزمند و برای حق تعیین سرنوشت خویش همواره در میدان مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه خواهد کرد و به سربد خویش ادامه خواهد داد و شهدای دیگری قربانی آرمان بر حق خلق و راه زحمتکشان خواهد کرد و در ادامه راه خویش تزلزلی بدل راه

زیادی از ارتشیان راکتخته و دو تانک را منهدم می کنند (تعداد پیشمرگان ۵۰ نفر بوده است) پس از این حمله ارتش بتلاسی دهات شیوه سرب، سیکان، گولفته الوائان و کونه منک را با هلسکوپتر و فانتوم مورد هجوم قرار میدهد. در این تهاجم بیستتر محصول روستا شان آتش میگیرد. پس از یورش ارتش عقب نشینی می کند و در روستای هنگ آباد مستقر می شود. ارتش به اهالی روستا های مناطق جنگلی هتدار داده است که روستا ها شان را تخلیه کرده و بجای دیگر بروند، زیرا برای "پاکسازی" منطقه از پیشمرگان تصمیم دارند این دهات را بمباران کنند.

### سردشت

روز ۱۸ شهریور، رحمت علی پور که دارای مدرک تحصیلی ششم ابتدائی است از طرف خلغالی به سمت فرمانداری سردشت منصوب شد. علی پور از نورچشمی های آقای ربانی و از طرفداران مفتی زاده میباشد.

### بوکان

ساعت ۸ شب ۵۸/۶/۳۱ دواقتلای در بوکان شیر باران شدند. یکی از آنها بر سر جبهه ۱۲ ساله ای بود که اشتهاش حمل بیک نارنجک دستی بوده است.

عوامل رژیم فاشیست حاکم این دومبارز را همراه بکنفر قاچاقی شیر باران کردند تا بدین ترتیب و به خیال خام خود خسون این شهدا را لوٹ کنند!

### سنندج

در سنندج شبها خانه گردی می شود، اما در مه آباد پاسداران در شب جرات نمیکند بیرون بیایند و در یادگان می مانند.

### مریوان

سروان فردوس پور قاسمی نجف آبادی که مدت دو سال رئیس ساواک نجف آباد بود و یکسال هم رئیس گارد دانشگاه اصفهان، طبق خبر روزنامه انقلاب اسلامی (۵۸/۶/۱۵) اکنون رئیس شهربانی مریوان است.

این شخص بدنبال حمله مردم نجف آباد

به خانه اش، بعد از قیام فراری شد و پس از مدتی پلیس راهمائی و رانندگی شهر کرد از آب در آمد. اکنون که دولت بازرگان از سوابق "درخشان" وی با خبر شده است با یورش از کم توجهی که تا کنون نسبت به وی روا داشته، او را بر بابت شهربانی مریوان منصوب کرده است!



ارتجاع حاکم با اعدام عناصر وابسته به رژیم سابق همراه انقلابیون خلقهای ما بخمال خودمی خواهد مبارزات خلقهای ما را لوٹ کند و بر جنايات خود سربوش نهد، اما او با این اعمالش بیشتر افشا میشود، و کونه ورژین نسبت به خواست نوده های تحت ستم ما آشکارتر میگردد.



امروز نیز ارتجاع حاکم تصور می کند با ادامه راه شاهنا پنگا رخواهتوانست خلق کرد را تسلیم نماید! اما بنگا ردلاورا نه و بنگر خلق کرد در گوه و دشت، در شهر و روستا های منطقه شان میدهد که فردا چه خواهد شد!

دیروز رژیم شاه خاش سینه بسیاری از فرزندان خلق کرد را نکافت تا بلکه آنان را از ادامه مبارزه عادلانه خویش بازدارد، اما خلق کرد در راه رسیدن به اهداف خویش همچنان به پیش رفت!



سینه‌های گرم انقلابیون کرد، هدف گلوله‌های مجربان  
"عدل" اسلامی فرار می‌گیرد! آری سینه‌های ما لامل از عشق  
به‌شده‌ها و انقلاب، سینه‌های منتظر پرواز در فضای آزادی...  
آماج سربهای گداخته‌فا نیست‌های کله‌بوک فرار می‌کسرد .  
چرا؟!  
چون محکوم‌هستند به مبارزه در راه آزادی و حق خود -  
مختاری .  
چون محکوم‌هستند به عشق به‌شده‌ها و خلق کرد،  
چون محکوم‌هستند به ...  
و اینک با بدای عدا دشمنان، و نه حتی به‌روشن‌دیکتا تورهای حقوق

شرمات سلک به‌فجیع ترین و غیر انسانی ترین شکل، بدون  
تکبیر ستونی و هر نفر فقط بوسیله یک تیرانداز تا که زود  
خلاص نشود بلکه زجر کش گردد .  
و از همه بدتر و غیر اصولی تر و غیر انسانی تر  
انتخاب جوخه اعدام مبارزین خلق کرد همراه سربازان  
رژیم فئالی است تا نگذارند حتی خون پاک این دلاوران ،  
تنها و خالص سر روی زمین جاری گردد .  
اما! اما در همان هنگامه تیرباران اعدایان، صدای  
غرش مسلسلها و غیر ترک تیراندازهای انقلابیون کرد که  
هم اکنون در کوه و صحرا پراکنده شده اند گوش می‌رسد .



## مظلومیت بخش خصوصی!! استدلال آقای بازگان در مقابل زحمتکشان قراردادار

### آقای بازگان پس چرا اینبار لبخند رضایت؟!!

هربار که تنی چند از سرسپردگان رژیم سابق، عاملان قتل و کشتار مردم، غارتگر-ان و وابستگان امپریالیسم به جوخه اعدام سپرده شدند فغان بازگان بها برخواست، او نه در فکر منافع بوده ها، بلکه نگران خشم و غضب امپریالیستها و انحصارات جهانی غارتگر بودند! مبادا بردولت و تنگ بگیرند و حمایتشان را از او دریغ کنند. او ادعا میکرد که با این کارها آمپرو "انقلابی" و کشور را در دنیا به بادی می دهد. باید رحم و عطف را با یک چنین انتقام جویی و غضب نمود او در آخرین پیام رادیو و تلویزیونی خود نیز در اول مهر ماه سخنان همینگی خود را تکرار کرد و گفت: "وقتی هدف و برنامه، ادامه برنامه تخریبی و منفی انقلاب باشد اینها یک جور فکر می کنند و یک جور می-خواهند و یک نحو عمل را می پسندند."

مخصوصاً وقتی که حالت انتقام داشته باشد یعنی انقلاب تبدیل شود به حالت انتقام... آیا این موضع بازگان از طبع رقیب و سرشت مسالمت جوی او سرچشمه میگیرد؟ ابداً! حوادث کردستان و سرکوب بیرحمانه خلق کرد بروشنی ماهیت واقعی نخست وزیر دولت موقت سرما به داران را به توده ها نشان داد. او که برای خاشاک به خلق، برای قاتلان و دزدیمان اشک می ریخت نه تنها در مقام نخست وزیر دولت موقت مسئولیت بسیاران و کشتار خلق کرد را به عهده گرفت و "شجاعت و شهامت" چسبران آدم کش و فاشیست را ستود بلکه در مقابل اعدای امپریالیسم عناصر مبارز و انقلابی کرد توسط بیدارگانهای خلقی جلا که حتی نحوه اجرای آن نیز با هیچیک از موازین حقوقی (۱) رسمی بورژوازی مطابقت ندارد، مهر سکوت بر لب زد و نه تنها سکوت کرد بلکه لبخند رضایت بر لب آورد. آری، آنجا که پای منافع طبقاتی در میان است، آنجا که پای سرکوب خلقها و نیروها و سازمانهای انقلابی در میان است، ارتجاع اخلاقیات درونی خویش را فراموش کرده و بکمداد و یک زبان می شود. بورژوازی لیبرال از توده-بقیه در صفحه ۱۱

(۱)- اعدام اسیران جنگی، حمل محکوم به اعدام بیماران برانگاریه محل اعدام، بستن انقلابیون به بنجره، بیمارستان از ناحیه گردن اعدام دسته جمعی در میان بدون بستن به چوبه اعدام، سپردن انقلابیون به خانه برای انتقام کشی و شکنجه تاحه در آوردن چشم قبل از اعدام، بگلوله بستن از ناحیه پا برای شکنجه، اعدام چند نفر توسط دو نفر در حالیکه در عرف بین المللی برای اعدام سریع محکوم حداقل سه نفر برای هر نفر، با منضم کردن ناحیه قلب می باشد.

اصلی آن نصب سرما به داران غارتگر و مفتخور (و از جمله بقول بازگان بخش خصوصی) میگردد آنها به این مرتجع کهنه کار می گویند که اساس آزادی و مقادمت در برابر استیلا خارجی طبقات زحمتکشان جامعه، کارگران و دهقانان و نیز روشنفکران انقلابی بودند. همواره زحمتکشان و روشنفکران وابسته آنها بوده اند که با تمام نیرو و توان انقلابی خود سرخسخته به جنگ نیروهای استبداد امپریالیسم برخاسته و قهرضدا انقلابی را با قهر انقلابی درهم کوبیده اند. در حالی که سرما به داران بزرگ به زد و بند با مستبدین و امپریالیستها مشغول بوده اند تا جنبش توده ها را واجه الساملا کب قدرت قرار داده و سرکوبه، آنان را سرشوند. جنبش مشروطیت، جنبش جنگل، نهفت ملی شدن نفت و انقلاب اخیر همه گواهی این امر است. باید از نخست وزیر دولت موقت پرسید که در طول یکسال جنگ و گریز خیا بانی انقلاب اخیر بین خلق دلاور ما و نیروهای پلیس و ارتش و دستگاه جهنمی ساواک در کوی و برزن، در صحنه های قیام شکوه مند توده ها در ۲۲ و ۲۳ بهمن کدام سرما به-دار و تاجر بزرگ و کدام بکارمندان بخش خصوصی در سنگر و در پیکار با دشمن خلق دیده شد (و این انتظار هم شمیرفت) آنان فقط خود را برای میوه چینی از انقلاب آماده میکردند و اینک می بینیم که چگونه سرما به دارانی که تا دیروز به بیرحمانه ترین نحوی به استعمار کارگران "بخش خصوصی" خود مشغول بودند، در رأس دستگاهها و ادارات دولتی و مقامات فرمانداری و استانداری قرار گرفتند. امروز می بینیم که سرما به داران "بخش خصوصی" با چه شقاوت و بی رحمی کارگران و کارمندان خود را اخراج میکنند و دولت سرما به داران نیز در مقابل تحم و اعتراض کارگران که خواهان کار هستند مارک فدا انقلاب به آنان زده و متفنگ کمیته چپ و پسا سدا ریسویشان نشانه می رود. آری کارگران از ماهیت فدا انقلابی و استعمارگرانه این عناصر ارتجاعی که امروز نیز سعی میکنند نیروی کار زحمتکشان را به ارزشا نترین قیمت دودستی به اربابان و همپالکی های سرما به دار خود تقدیم و وظیفه طبقاتی خود را بنحوا حسن انجام دهند، بخوبی آگاهند. زحمتکشان ما که در نظام های طبقاتی همیشه سنگ زیرین آنها بوده اند و در ازای نان بخور و نمیر نیروی کار، جوانی و شادابی خود را به اربابان و مایل تولید فروخته و وحشیانه استعمار شده اند، هر روز کاه و تشنگی طبقاتی بیشتری کسب میکنند و در بنیست آن زمان که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل سیاسی با متحد کردن توده ها به گرو خوش، انقلابی را مستین بیا کند. در این انقلاب قدرت سیاسی و دولت از آن توده ها که زیر پرچم سرخ پرولتاریا متحد گشته اند، خواهد بود. نه سرما به داران غارتگر و ضد خلق. ■

کمونیستها همیشه با پادین حقیقت را برای کارگران توضیح دهند که نمایندگان سرما به داری، با هر ماسک ملی و مذهبی و تقدس مآبی که برپه برزند هرگز نمی توانند از منافع و خواسته های برحق زحمتکشان دفاع نمایند. آنها پس از اینکه از نیروی توده ها برای بقدرت رسیدن کمال استفاده را بعمل آوردند، زحمتکشان را خواهد فروخت و در معرض استعمار بیرحمانه تری قرار خواهد داد. بازگان قبلا نیز مریحاً گفته بود که تاجر و سرما به داران (یعنی همان اشراری که حیانتان بر اساس استعمار زحمتکشان و کسب ارزشا فای استوار است) طبقه ای هستند که از صدمه مشروطیت تا کنون بیشترین نقش را در مبارزات ملی داشته و در انقلاب اخیر نیز بیشترین صدمات را متحمل شده اند. در حالیکه هر کسی منافع طبقاتی، عقل و بینا شین را زایل نکرده باشد، بخوبی می داند که در طول تاریخ توده های زحمتکش اساسی ترین نقش را در اوزگونی نظامات استبدادی ایفا نموده اند. گرچه هر با ربطی که ارتجاعی توانسته اند برگرده، توده ها وار شده و قدرت سیاسی را از آن خود سازند، و در آینده نیز ما دام که طبقه کارگر به یک نیروی مستقل سیاسی که توسط حزب انقلابی خود رهبری میگردد تبدیل نشود، چنین خواهد بود. پرولتاریا تنها با بدست گرفتن رهبری انقلاب دموکراتیک میتواند این انقلاب و نتایج آن را در خدمت منافع خود و سایر توده های زحمتکش قرار دهد و آن را به انقلاب سوسیالیستی که اساس روابط استعمارگرانه را نابود می کند، تبدیل نماید. حال ببینیم بازگان این نماینده سرخست سرما به داران اینبار چگونه با قلب حقایق تاریخی (مثل همیشه) خود خدمت میکند. اینبار او کمی مطلب را در لاف می پیچد و بجای تاجر و سرما به داران از بخش خصوصی دم می زند. او می گوید: "بخش خصوصی شاید مظلوم ترین بخش ما باشد که متاسفانه لطفاً زیادی به آن حورده و خوب سر حال و سررشدنیا مده است. بخش عمومی که همیشه در ملکیت اساس حیات و فعالیت و در آمو و مخصوصاً آزادی و آزادی و مقاومت در برابر استبداد و استیلا خارجی بوده غیلسی مورد تقویت و مورد رشد و توسعه قرار نگرفته است." این استدلال آقای بازگان است. اما استدلال زحمتکشان چیست؟ استدلال کمونیستها چیست؟ آنها می گویند:

اساس حیات و درآمد هر ملکیت نه سرما به-داران بخش خصوصی، بلکه کارگران و زحمتکشان کلبه، بخشها اعم از دولتی و خصوصی هستند. آنها نندکه با کار طاقت فرسا در سخت ترین و وحشیانه ترین شرایط که ناشی از سودجویی و طمعکاری بیحد و حصر سرما به داری است ارزشها و نعم مادی را تولید می کنند، در حالیکه خود سهم ناچیزی از این ارزشها را بدست آورده و بخش

## گوشه‌ای از مبارزات دهقانی درمازندران

### قائم‌شهر (شاهی)

در قاشم شهر چندین مورد درگیری بین دهقانان زحمتکش و رنج‌دیده با فئودالها و حامیان آنها که دیروز زاندارها بودند و امروز به کسوت پاسداران انقلاب و باکمیته های انقلاب درآمدند، روی میدهد.

علت درگیری و نزاع، بیشتر عدم تمکین دهقانان نسبت به فئودالها و سربا زدن از پرداخت نفعه محصول آنان بوده است. خودداری دهقانان از پرداخت نفع محصول به فئودالها با توطئه ها و قلدریهای فئودالها روبرو شد ولی سودی نداشت. فئودالها از پاسداران باری جستند و آنها هم بسیاری فئودالها آمدند ولی باز هم موفق نشدند همچون گذشته حاصل دسترنج دهقانان زحمتکش ما را بنفارت ببرند. دهقانان با همکاری یکدیگر چون دژی تخییرناپذیر در مقابل آنها ایستاده‌اند. انقلاب‌بدانها درسهایی زیادی آموخته است به چند خیر زیر کسه نشاندهنده درگیری بین دهقانان و فئودالها و حامیان آنهاست توجه کنید. اینها منشی از خروار است:

### روستای بطرود

روستای بطرود و زمینهای منطقه آن متعلق به زمیندار بزرگی بنام حسین یزدانی ( دوست نزدیک وزیر یزدانی و شاهپور غلامرضا) میباشد. چندی پیش دهقانان این منطقه که با خون دل محصولی بعمل آورده بودند، از پرداخت باصطلاح حق مالک که در تولید آن نفعی نداشتند است سر باز میزدند. در نتیجه دو تن از عوامل یزدانی بنا میهای رحیمی و هاشمی، با اجیر کردن جماعت بدستان و مزدوران مسلح به دهقانان حمله ور میشوند. خونتهای آنها را به آتش می‌کشند و نابود می‌کنند پاسداران هم بروستا شیان فشار می‌آورند که "حق" مالکین را بدهند. روستا شیان "بطرود" برای افشاکری و حق طلبی با شعارهای "مرگ بر یزدانسی"، "فئودال نابود است"، "کشاورز پیروز است" اعلام پیروز است، سرمایه دار نابود است" و "پیام طالقانی: ثورا های دهقانی ایجاد باید گردد"، دست به تظاهرات می‌زنند و جلوی فرمانداری شهر تخمین میکنند.

### کیاکلا

روز ۵۸/۶/۲۸ روستا شیان کیاکلا در شهر به راهپیمایی پرداختند و جلو دادگستری متحصن شدند. شعارهای آنها طی راهپیمایی عبارت بود از: "شهادت و ثورا، پیام طالقانی"، و "کشاورز، اسلام انقلابی حامی سربخت توست"، "فئودال نابود است کشاورز پیروز است"، "سرمایه دار نابود است"، "کشاورز پیروز است". در پایان تخمین دهقانان قطنما معای مادر کردند که در

قسمتی از آن میخوانیم:

" در روستاهای حومه "کیاکلا" تیسز، همچون سایر روستاهای ایران، پس مانده‌های رژیم استبدادی پهلوی، این مالکین مزدور و جیره‌خواران نظام حاکم گذشته نظیر فاضلی ها، بزرگها و بردانها و ... با همکاری فرمانده هنگ زاندارمری مازندران، رئیس پاسگاه زاندارمری کیاکلا (پاران قدیمی فئودالهای منطقه) و با استخدام چماقدار-انی چند، که همگی مدعی مجری دستورات آیت‌الله کنی رئیس کمیته مرکزی شهران بودند، ما کشاورزان را از همه طرف مورد تهاجم قرار داده، خانه های ما را به آتش کشیده و به جان و مال و نوامیسمان تعرض نمودند که از جمله میتوان درگیری قبادی مالک و طرفداران مزدورشان با روستا شیان روستای "دینه سر"، تیراندازیهای هوایی در روستای بهنجی و ایجاد ترس و وحشت در میان روستا شیان، زندانی کردن همفراز برادران دهقانان و آتش سوزیهای روستای "موسی کلا" را نام برد.

در زیر بار این همه فشار، فربادهای برخاسته از حلقوم خونین مان را کسی پاسخ نداد و شکایات فراوانمان به مقامات مسئول دولتی و کمیته‌ها و دادگاه انقلاب راه بجایی نبرد. اما اتحاد و یکپارچگی و مقاومت دلیرانه ما کشاورزان، عوامل متحد زر و زور و تزویر را برای مدتی به عقب نشینی واداشته و آماجش نسبی برای ما سبار آورد.

با اینهمه، چند روزی است که مالکین مزدور و وابسته که هیچ پایگاهی در میان روستا شیان آگاه و غیور روستاهای ماندارند در بیانه حامیان نامبرده شان در صدندند محصولات زمینهای ما را که نتیجه ماها تلاش شیان روزی و خون دل خوردن ما کشاورزان می باشد، از آن خود ماخته و سهمی نیز به جیره‌خواران درگهان بدهند.

ولی ما روستا شیان روستاهای کیاکلا با تحریم نتیجه رنج دهقانان به فئودالهای آریامهری، به مقدسات دینمان و به شرافت انسانیمان سوگند باد می‌کنیم که تا تحقق خواسته های برحقمان که همانا تامین مصالح مستضعفین و برقراری جامعه توحیدی میباشد، به مبارزات بی امان و همه جانبه خویش علیه استبداد، استعمار و استثمار ادامه خواهیم داد، و از این تاریخ (۵۸/۶/۲۸) بعدت یکپخته جهت رسیدگی به خواسته‌ها بمان که ذیلا بصری میرسد، به کلیه مقامات مسئول، بخصوص دادگستری و دادگاه انقلاب شهرستان قاشم شهر، مهلت داده و به همه آنان قاطعانه هشدار میدهیم که در صورت عدم توجه به وضع اسفبارمان، مسئول شما می درگیریهای احتمالی آینده خواهند بود؛

۱- ما کشاورزان روستاهای حومه کیاکلا حواستار محاکمه انقلابی و مجازات شدید مالکین مزدور و حامیان جنا پیکارشان که هدفی جز سرکوبی دهقانان نداشته و در حال

حاضر نیز یکمک چماقداران مزدورشان، جان و مال نوا میسمان را مورد تهاجم و حشانه خویش قرار دادند، می باشیم.

۲- ما کشاورزان، خواهان تشکیل ثوراهای دهقانی در روستاها که اولین قدم در راه احقاق حقوق کشاورزان و بیباده شدن اصل انقلابی "امر هم ثورا بنهم" قرآن میباشد، هستیم.

۳- بر اساس حدیثی از امام جعفر صادق که فرمود: "الزرع للزرع و لوکان غاصبا" و بر طبق گفته امام در مورد زمینهایی که قبل از ۱۵ بهمن زیرکشت رفتند، محصولات زمینهای که از جانب ما کشاورزان کشت و کار شده، از آن ما میباشد. لذا خواستار کوتاه نمودن دستان پلیس مالکین مزدور و وابسته از این محصولات که حاصل رنج و تلاش شیان روزیمان می باشد، هستیم.

" کشاورزان روستاهای حومه کیاکلا"

### دینه سر

چندی پیش قبادی زمیندار روستای "دینه سر" یکمک جماعت بدستانش به کشاورزان حمله میکند، اما با مقاومت سخت مردم روبرو شده و زخمی میشود. پس از این جریان پاسداران و زاندارها به ده میریزند و دهقانان را مورد ضرب و جرح قرار میدهند.

### بهنجی

دهقانان روستای "بهنجی" از توابع قاشم شهر از دادن "نفعه محصول" - که دسترنج و در نتیجه حق خودشان است - به زمیندار بزرگ و معروف منطقه بنام "برزگر" خودداری می کنند. مالک مذکور از پاسگاه منطقه باری می طلبد. رئیس پاسگاه بهاریش می‌شنابد و ۴۰ مرد مسلح به منطقه اعزام میکند. افراد مسلح با مردم درگیر میشوند و سعی میکنند با شیراندازی هوایی وحشت ایجاد کنند.

روستا شیان زحمتکش مقاومت میکنند و آنان را به عقب می‌رانند، ولی فرماندار و دادبار انقلاب اسلامی قاشم شهر، دخالت می‌کنند و بانبریک به کشاورزان میگویند: " شما نفعه محصول مالک! رابهرید، ولی رسیدی" به وی بدهید که اگر مالک در دادگاه حاکم شد، نفعه محصول را به او بر گردانید. این حیل به پادرمیانی رئیس ضد خلقی پاسگاه کارگر میشود. یکی از پاداران که دست آنها را خوانده بود، اعتراض میکند، ولی تنها نتیجه اعتراض اخراج وی از کمیته می شود.

### جمال کلا

روستا شیان "جمال کلا" از دادن "نفعه محصول" به فاضلی زمیندار بزرگ ده خود - داری میکنند. فاضلی یکمک پسرش میکوشد علیه دهقانان حق طلب توطئه چینی کند. کشاورزان متوجه می‌شوند نیمه شب به خانه پسرش می‌ریزند و وی را بندت کتک میزنند. در این رابطه ۹ تن از روستا شیان مبارز توسط دادگاه قاشم شهر دستگیر و زندانی شده‌اند.

خلقهای ایران و منطقه نسبت به حرکت‌های امپریالیسم  
آمریکا و عاملش در خلیج فارس، هشیارند!



منطقه خلیج برای امپریالیست‌های یکی از حیاتی‌ترین مناطق جهان است. تنها بیش از ۶۰ درصد از ذخیره نفتی جهان در این منطقه قرار دارد. حفظ امنیت این منطقه و بسیاری دیگر تضمین ثروت‌های هنگفت آن، همواره مورد توجه امپریالیست‌های جهانخواه بوده است. اگر از بازاری پر رونق تجاری و بویژه میلیون‌ها دلار اسلحه که سالانه به این منطقه سرازیر شده است بگذریم، وابسته بودن صنایع آمریکا و اروپای غربی و بویژه ژاپن به نفت این منطقه نشان دهنده اهمیت استراتژیک خلیج برای امپریالیسم می‌باشد. روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از ایران، کویت، امارات عربی و قطر و... بسوی کارخانه‌های امپریالیستی سرازیر می‌شود. هر روز تعداد زیادی از نفتکش‌های بزرگ از گلوگاه خلیج یعنی تنگه هرمز می‌گذرند و از این آبراهه با ریک است که خون در شریان‌های امپریالیسم جاری می‌شود. حساسیت و فربه‌بودن بودن منافع امپریالیستی را بویژه با توجه به بیداری خلق‌های منطقه و با لاکرفتن مبارزات فدا می‌ریا لیستی آنان طی دهه‌های اخیر بخیبی میتوان مشاهده کرد.

امپریالیسم جهانی از طرق مختلف برای حفظ این منافع سرشار غارت و وارد عمل شده است؛ از حضور نظامی در آن استعمار گرفته تا انعقاد پیمان‌های نظامی با عمال دست‌نشانده خود در منطقه، با با هر دوی آنها، کما اینکه هر گاه لازم دیده به توطئه، سرکوب، کودتا جهت برقراری انواع وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی و فرهنگی علیه خلق‌های منطقه متوسل شده است.

پس از جنگ جهانی دوم، یکی از مهمترین دلایل انعقاد پیمان‌های نظامی سیتووستنسیو حفظ این منافع غارت بود، چنانکه بعدها پیمان اسلامی (ظواهر به استکبار عربستان سعودی و شاه درنیمه اول سال‌های ۶۰) مطرح گردید. پس از شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در جنگ ویتنام، استراتژی آسیای جنوب شرقی مطرح شد که بر طبق آن، امنیت منطقه‌های مانند خلیج به عهده عمال امپریالیسم در همان منطقه گذارده می‌شود و امپریالیست‌ها نقش حمایتگر دست‌نشانده‌گان خود را بازی می‌نمایند. بر این اساس بود که ژاندارمی امپریالیسم در منطقه خلیج به عهده بورژوازی وابسته ایران (روژیم شاه) گذارده شد و چنانکه می‌دانیم شاه‌نشینان با خرید ده‌ها میلیون دلار اسلحه از آمریکا خود را برای ایفای چنین نقشی آماده می‌کردند، بلکه عملاً ارتش خود را برای سرکوب نیروهای انقلابی منطقه به‌آنسوی خلیج نیز گسیل می‌دادند. اشغال سه جزیره عربی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و انعقاد پیمان‌های دوجانبه با دولت دست‌نشانده قایوس در عمان، برای کنترل دهانه خلیج (تنگه هرمز)، جزئی از این طرح امپریالیستی بود. شاه‌نشینان در این خورشقی تا آنجا پیش رفت که بر اساس طرح‌های امپریالیستی، خود را کاندیدای ژاندارمی اقبانوس هند نیز مینمود و در مناسبت‌های مختلف اقدام به سرکوب انقلاب‌ها را از افتخارات خویش

اینست که آمریکا به بهانه سرکشی ناوگان‌ها از عمان مدت چهار ماهه ارسال رادرنزدیکی تنگه هرمز خواهد بود.

هم‌اکنون در کنار نیروهای مزدور قایوس قریب ۷ هزار نفر از نیروهای "انورمادان" برای سرکوبی انقلاب خلق عمان در آنجا بسر می‌برند و بدینا را خیرحستی مبارک معاون رئیس‌جمهوری مصر از مسقط (۲ مهر) و نیز کمک‌های بیدریغ ارتجاع سعودی به عمان، نشان‌دهنده طرح‌های امپریالیستی وسیعی است که علیه خلق‌های منطقه دارد صورت می‌گیرد.

اما انتظار مومغیبری هیأت حاکمه ایران علیه طرح‌های امپریالیستی در منطقه توقی

● آمریکا نقش ژاندارمی خلیج را بعهدده "کنیز مطبخی اش" - قایوس - واگذار کرده است.

شمرده، هرگونه مخالفت با رقیبی را در این منطقه تهدید به تاخت‌وساز و سرکوب نظامی مینماید. اما سرانجام قدرت پوتالی و عاریتی شاه در برابر طوفان انقلاب بوده‌های ستمدیده خلق ما در هم فرو ریخت، و امپریالیسم که به بنا بر ماهیت گندیدگی و انحطاط خویش همواره مجبور است بر چنین رژیم‌های ارتجاعی و پوسیده متکی باشد، اینبار رنیز با روفادار خود را از دست داد.

اکنون، در شرایط جدیدی که پس از سقوط شاه در منطقه پدید آمده، هر چند امپریالیسم امیدهای فراوان دارد که ضربات وارد بر پیگیر خویش را ترمیم کند و امیدش با توجه به آنچه پس از سقوط شاه در ایران بوجود آمده، واهی نیست، بلکه اطمینان‌های مخفی هم دارد، ولی ضربات وارد بر پیگیر امپریالیسم در نتیجه انقلاب ایران، آن اندازه کاری بوده است که امپریالیسم آمریکا برای حفاظت از منافع خویش، حالا که شاه نیست، سلطان قایوس، این کنیز مطبخی خود را "دریابد"!

این تروها طرحی ظاهراً جدید، بنام "امنیت دستجمعی" از سوی قایوس مطرح گردیده است و یوسف الطولی (که چند سال پیش در عسکوف میا رزین فدا استعماری فعالیت می‌کرد و پس از خیانت به خلق خود به معاونت وزارت خارجه عمان رسید) راهی برخی از کشورهای منطقه شده است تا این طرح را که از سوی آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و ژاپن حمایت می‌شود به این کشورها عرضه کند. طرح مسأله با مقامات ایرانی هم در دستور کار قرار دارد!

تاکنون عراق و نیز کویت شدیداً این طرح امپریالیستی را محکوم کرده‌اند. سوال اینست که چرا دولت موقت در برابر چنین طرح امپریالیستی که منافع کل خلق‌های ایران و منطقه را تهدید میکند، ساکت است؟ و امپریالیست‌های آمریکا شی را که با رها طی چند ماه گذشته تصمیم خود را در شربد خالت نظامی و ارسال بیش از ده هزار نیروهای ویژه خود به منطقه اعلام کرده‌اند، محکوم نمی‌کنند و چرا در برابر تحرکات وسیع امپریالیست‌ها خاموش است؟ کبھیان ۴ مهر به نقل از نیویورک می‌نویسد: "ناوگان آمریکایی وابسته به ناوگان اقبانوس آرام که سالی یک بار از این منطقه دیدن می‌کردند است اکنون قرار است دیدارهای خود را با رهبران سرکوب‌گر کدما یک ماهه در این منطقه باشند معنی این حرف

تا بجاست. زیرا با وجود آنکه قریب ۸ ماهه از سقوط شاه می‌گذرد، هیأت حاکمه جدید ایران نه تنها از آنچه جنا پاشی که ارتش شاه در رفتار علیه خلق عمان بکار برد پوزشی نخواسته و روابطش را با قایوس، این سگ ناچیز امپریالیسم در خلیج همچنان ادامه میدهد بلکه حتی پکنفر از فرماندهان جنا پشکار ارتش را که توده‌های زحمتکش عمانی را قتل عام کرده‌اند به محاکمه نکشیده است و آنها همچنان بر سر کار باقی هستند (نمونه اش سرتیپ آذری که دو بار فرماندهی نیروهای سرکوبگر شاه در رفتار را بر عهده داشته و امروز فرمانده سپاه غرب است!) همچنین در حالیکه قریباً حمایت از مستضعفین جهان از سوی سردمداران قدرت حاکم گوش فلک را کر کرده است، جبهه خلق برای آزادی عمان که ۱۴ سال است علیه امپریالیسم و ارتجاع در سخت‌ترین شرایط مبارزه میکند از داشتن دفتری در تهران محروم می‌باشد، سهل است، وزارت خارجه دولت موقت حتی استقبال گرمی هم از هیأت نمایندگی انقلاب عمان بعمل نیاورده است. ما نوریروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان هم که روزهای اول مه‌ماه آغاز شد، همانطور که انتظار میرفت با هیچ مومغ گهیری سیاسی علیه طرح‌های جدید امپریالیسم همراه نبود و طبق معمول، هدف از آن "حفظ اما دگی رزمی بکاشهای نیروی دریایی" اعلام گردید.

دریابان با بدگفت که خلق‌های قهرمان ایران که علیه امپریالیسم و در جهت ریشه‌کن کردن نفوذ آن نه تنها از ایران بلکه از سراسر منطقه به مبارزه ای پیگیر و خونین برخاسته‌اند نسبت به کلیه تحركات امپریالیستی هشباری کامل دارند. سر نوشت منطقه خلیج با بدست خلق‌های منطقه تعیین گردودست امپریالیسم آمریکا و همدستان و عواملش از منطقه کوتاه شود. اگر سر نوشت منطقه خلیج در دست خلق‌های این منطقه باشد، برای وسایل امپریالیسم شوروی نیز که در رقابت با امپریالیسم آمریکا میکوشند ظاهراً حمایت از خلق‌های اسیر را از بندر بسته راهی برای تثبیت قدرت خود می‌یابند، حاشی نخواهد بود. از همین دیدگاه است که تلاش حزب توده برای "آب جا رو کردن" و استقبال از نفوذ شوروی در خلیج بمعنوان جا بگزین، آمریکا جزئی بسرآب نخواهد بود! ■ (۵۸/۲/۶)



# اخبار تهران و حومه

## گزارشی کوتاه از مبارزات مردم زحمتکش محله دولت آباد

در جریان قیام بهمن ماه ، که طومار رژیم مزدور پهلوی را در هم پیچید ، بسیاری از مردم زحمتکش فکر می کردند بسزوی صاحب سرپنای می شوند و پس از سالها دربدری و زندگی کولی وار ، چهار دیواری کوچکی ، اگر چه قفسی باشد برای انسانی ، به آنها تعلق میگیرد . این بود که بسیاری از ساختمانهای شام و نیمه تمام را اشغال کردند و در آن سکنی گزیدند . اما هنوز چند روزی از قیام نگذشته بود که خود را با پاسبانهای جدید - افراد مسلح کمبیت - روبرو دیدند . افراد کمبیت هر جا که زورشان رسید ، مردم بی سرپناه را با چندین بچه بیرون ریختند ، اما همه جا اینطور نبود . در بسیاری موارد با چنان مقاومتی روبرو شدند که حتی باجگذاشتن زخمی عقب نشینی کردند . جالب توجه است که هر جا افراد کمبیت نتوانستند با زور کاری از پیش ببرند ، آخوندهای مرتجع پادرمیانی کردند و با استفاده از احسانات مذهبی مردم سخنرانی کردند که : "... نمازی که در این خانه ها می خوانید مورد قبول خداوند تبارک و تعالی نیست ! بچه هائی که بعمل می آورید حلال زاده نیستند و ... " اما این حیلها هم کارگر نشد . انسان است و خانه میخواهد ، آنها نه خانه ای آنچنانی ، بلکه فقط سرپنای به نقد در امان بودن از سرما و گرما و رهائی از دربدری و دولت آباد یکی از این محله هاست . اهالی دولت آباد مدتی است که شورای محله تشکیل داده اند و به این ترتیب توانسته اند در مقابل توطئه ها و دسیسه های کمبیت و افراد مرتجع بطور متشکل و آگاهانه ایستادگی کنند . حدود دو هفته پیش که برای باز کردن آب لوله کشی می روند ، افراد کمبیت جلو - کبری می کنند و میگویند بروید با کمبیت صحبت کنید . شورای محله همراه تعدادی از مردم به کمبیت میروند ، اما در آنجا در را بروی آنها می بندند و با قنداق تفنگ و مشت و لگد بجان آنها می افتند . در این هنگام شهروانی که از دستگیری شهروانشان با خبر شده بودند ، جلوی نخست وزیری می - روند و آنجا بست می نشینند . اینها که قبلاً انواع دوز و کلک را تجربه کرده بودند ، در برابر این توطئه که " از اینجا بروید و نمایندگان خود را برای مذاکره بفرستید " مقاومت می کنند و به سخن خود ادامه می - دهند . پس از مدتی آمبولانس آژیر کشان می آید که متلاً زخمی دارد و میخواهد که راه را برایش باز کنند . اما زنان مبارز دولت آباد ، آمبولانس را احاطه می کنند و به بازرسی آن می پردازند . وقتی می بینند مریخی در کار نیست و به این بهانه می - خواسته اند سخن و اجتماع آنها را بهم

بریزند ، راننده آمبولانس را بشدت کتک می زنند . پس از اینکه مسئولین نخست وزیری محل کار خود را ترک می کنند ، آنها نیز بناچار به خانه های خود برمی گردند . حدود ساعت ۱ نیمه شب افراد کمبیت به بلندگو مردم را جمع می کنند و برای ایجاد تفرقه و دو دستی می گویند : " از این ۵۵ دستگاه باید ۳۰۰ دستگاه تخلیه شود ، چرا که ساکنینش افراد متعاد ، فاحشه و ضد انقلابی هستند . " صدای اعتراض مردم بلند میشود که : " ما اینجا نه ضد انقلابی داریم و نه فاحشه ، مردمی زحمتکش هستیم و اینجا را هم تخلیه نمی کنیم " . مشروح جریان را در شماره های بعد ملاحظه کنید .

## تفتیش عقاید در دانشگاه

در دانشگاه تهران تفتیش عقاید شروع شده است . در روز دوشنبه ۵۸/۷/۲ در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران حدود ده نفر از استادان و تکنیسین ها و کادرهای اداری را به دفتر احضار و در حضور ۲ پاسدار و یک نفر دیگر از آنها بازجویی می شود . سئوالاتی که شده بیشتر در باره طرز تفکر و ایدئولوژی افراد بوده است . از این تعداد حدود ۵ نفر آزاد می شوند و ۵ نفری که بازداشت می شوند حکم تفتیش خانه های آنها داده می شود . به آنها گفته اند که اگر ظرف ۲۸ ساعت دیگر مدارکی از شما بدست نیاید ، آزاد می شوید و به ۵ نفر دیگر که آزاد شده اند اخطار میشود که مواظب حرکات و گفتار خود باشند !

در اولین روز بازگشایی مدارس در یکی از دبیرستانهای خوارزمی تهران بستن دو

## چگونه دست فریکاران رو می شود؟!

از سخنان آیت الله خورشاهی در کیهان اول همراه

\* هر جا میخواهیم خانه بسازیم یا خانه ای را تحویل بگیریم دولت میگوید اینجا مال ماست و لازم داریم .  
\* می ترسم که مردم خوششان بریزند و خانه های خالی را تصاحب کنند .  
\* هن از تمام مستضعفان که نان نوبسی کرده اند محوالم می درود اختیارات بنیاد تحقیق و بررسی کنند و هنگامیکه متوجه شدند چندان اختیاری نداریم دیگر بیا مراجعه نکنند .

اطلاعیه بنیاد مسکن

**اراضحه ۱**  
بنیاد مسکن انقلاب از خرید آپارتمان با سنی از ۱۰۰ متر مربع زیر بنا مدور است تهران - خمرکسزای بارس - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای اعلام کرد که از خرید آپارتمانها و بنا نخواهد ساختن که سطح زیر سای آنها بین ۱۰۰ متر مربع باشد مدور است .

در اطلاعیه آمده است این بنیاد در حال حاضر آمادگی خرید آپارتمانها و بنا تک - واحدی هائی را دارد که سطح زیر سای آنها بین ۱۰۰ تا ۱۰۰ متر مربع مساحت و حداکثر بهای این واحدهای مسکونی از ۱۵۰ هزار تومان تجاوز نکند . برای اطلاع بیشتر از تکوینی نحوه انجام این امر ، مالکین اسکوه آپارتمانها میتوانند با دسر مرکزی بنیاد مسکن تماس بگیرند .

بیشود آن تبلیغات کرکننده در داد و بیبدها فقط و فقط حرف بوده است و برای تریب و ساکت کردن مردم می باشد .  
هموطن آیا فکریکی رژیم پول ندارد ؟ ما که فکرنسی کیم . تازه این کار به پول احتیاج ندارد ، فقط کافی است دولت دست از حمایت سرمایه داران زمینخواران و دم کلفتیهای که صاحب هزاران متر زمین و صد ها آپارتمان و خانه هستند بردارد تا مردم خودشان بروی زمینهای آزاد شده خانه بسازند و در خانه های خالی سرپنای برای زن و بچه هایشان بوجود آورند . ولی آیا دولت و کسانی که خود نماینده سرمایه داران و دم کلفتها هستند میتوانند چنین کاری کنند ؟ اقدام مستقیم مردم دولت آباد که در قیام بهمن ماه به صادره آپارتمانهای خالی پرداختن نشان داد که نباید منتظر وعده و وعیدهای دولت و دستگاه های عریض و طویل مثل بنیاد مسکن و غیره شد .  
بسیروز بنیاد اتحاد و همسنگی کارگران زحمتکشان ایـرـان !  
نابود باد فریکاران و سرمایه داری وابسته به امپریالیسم !  
" داشتن یک سرپنای و مسکن ابتدائی ترین حق هر انسانی است " !  
(رزمندگان آزادی طبقه کارگر)

بقیه از صفحه ۹

دسته از دانش‌آموزان مذهبی و غیر مذهبی زد و خوردی رخ داد. ماجرا از اینقرار بود که وقتی دانش‌آموزان مبارز میخواستند، اعلامیه‌های سازمانهای انقلابی را پخش کنند با ممانعت ۴ دانش‌آموز مذهبی روبرو شدند و کار به زد و خورد کشید. اکثر دانش‌آموزان بعمل ۴ دانش‌آموز مذکور اعتراض داشتند.

## اخراج مزدوران و ساواکی‌ها از بانک پارس

شورای کارکنان بانک پاریس طی اعلامیه‌ای اسامی پنج تن از مزدوران و سرپرستگان رژیم ساقط شده شاه را اعلام کرد. این تصمیم شورای مذکور علیرغم مقاومت مدیر عامل بانک پارس در مقابل خواست انقلابی آنها صورت پذیرفت. اسامی پنج نفر - اخراجی چنین است: ۱ - حمید اطهانیان ۲ - محمد رضا ملکی ۳ - فضل الله آژاده ۴ - حسین توکل ۵ - ارسطو مزداشی.

در پایان اعلامیه آمده است: کارکنان بانک پارس از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۷ از ورود این عناصر به بانک جلوگیری بعمل خواهند آورد.

## جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیگاریم

روز یکشنبه اول مهرماه، مدها نفر از دیپلمه‌های بیگار تهران در خیابانهای انقلاب و طالقانی برآهیمائی برداختند و خواستار کار برای تمام بیگاران کشور شدند در حين حرکت بسیاری از مردم به آنها پیوستند و برخی دیگر نیز در پیاده روها با ابراز احساسات اعلام همبستگی کردند. شعار تظاهر کنندگان عبارت بود از: جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیگاریم " مرگ بر سرمایه دار، عامل بیگاری ما". این تظاهرات تا حدود ساعت ۱ بعد از ظهر ادامه داشت.

غیر بعدی حاکمیت که این عده بعد از ظهر سه شنبه سوم مهر ماه از مقابل وزارت کار حرکت میکنند تا به نخست وزیر بروند اما روبروی دانشگاه تهران عده‌ای فالانز راه را بر آنها می‌بندند و شعار میدهند: "مسئله بیگاری نیست - توطئه آمریکا است." با وجودیکه تظاهرات کنندگان از درگیری پرهیز میکردند، اما عناصر مرتجع و فالانز درگیری را تحمیل میکنند و یکنفر زخم مختصری برمی دارد تظاهرات کنندگان برای جلوگیری از درگیری شدید متفرق میشوند و قرار می‌گذارند روز شنبه صبح در پارک لاله جمع شوند و نسبت به تظاهرات‌های بعدی خود تصمیم بگیرند.

## تهران

- جوادی رئیس سابق زندان رشت اکنون رئیس کمیته اکیاتان است.

## تهران

روزیکشنه ۵۸/۶/۲۵ در منطقه خیابان پیروزی (فرج‌آباد سابق) عده ای از جوانان یک محله شورائی تشکیل می‌دهند تا نسبت به گرانفروشان محل تصمیم بگیرد. این شورا به قصابان فروشی که گوشتها را دو دسته می‌کند و نوع مرغوبش را به افراد مرفه و با بهای بیشتر و بقیه را به زحمتکشان می‌فروخته اخطار می‌کند که اگر از این عمل خود دست برندارند ما سوراخ شورای محله مانع کسب و کارش میشویم. بعد از این اخطار، قصاب مذکور اکنون گوشت را بصورت مخلوط می‌فروشد.

## آبادان

- در پی آتش‌زدن کتابفروشی "ارانی" توسط اوباش مزدور، برخی از کتابفروشی‌هایی که کتابهای مترقی می‌فروختند، تهدید می‌شوند که "با دست از فروش این نشریات بردارید، با شدیداً مجازات می‌شوید". رادیو نفت ملی (آبادان) نیز در پی وقایع پاوه، شروع به پخش یکسری اطلاعات از طرف دادستانی انقلاب اسلامی آبادان مبنی بر معرفی عناصر ضد انقلاب می‌نماید. در همین زمان برخی آغوندهای محل از مریدان خود می‌خواهند که اسم و

آدرس افراد چپی کوچک و محلسان را بنویسند و به آنها بدهند.

همزمان با این حوادث به خانه چند نفر از دانشجویان نیز حمله می‌شود: از جمله به خانه یکی از دانشجویان مبارز که در جریان اعتصابات و تظاهرات گذشته بسیار فعال بوده. هنگامیکه ماورین برای دستگیری او به خانه اش هجوم می‌برند او در خانه نبوده. همچنین در حمله به منزل لریک دانش‌آموز مبارز، کتابهایش را ضبط می‌نمایند، و از او تمهید می‌گیرند که دیگر از این کتابها نخواند! همین اخبار حاکمیت، لیستی از افراد مبارز اعم از کارگر و روشنفکر توسط کمیته تهیه شده تا بتدریج آنها را دستگیر کنند.

- طبق اخبار رسیده، در نیروی دریائی، تمایل زیادی برای رفتن به کردستان دیده نشده، و علیرغم تلاشهای مدنی هنوز نظم عقخان بار گذشته بر پرسنل نیروی دریائی حاکم نشده است.

- یک درجه‌دار نیروی دریائی که می‌خواست به کردستان برود، با مخالفت همسرش که از نظر سیاسی موافق با رفتن وی نبود، روبرو شد. این زن از شوهرش خواسته در مورتی که می‌خواهد به کردستان برود، او را طلاق دهد. در نتیجه درجه دار مزبور از این کار منصرف شده است.

**رفقه هواداران! اخبار مبارزاتی منطقه خود را برای ما بفرستید. در صحیح و موق بودن اخبار نهایت دقت را نموده و تاریخ و مشخصات دیگر خبر را ذکر کنید. خط خوانا و ارسال بموقع خبر را حتماً به خاطر داشته باشید.**

## پس گرفتن عقب نشینی‌ها!

کارگران مبارز!

"دولت موقت" تحت فشار کارگران و توده‌های زحمتکش خلق ما، عقب نشینی‌هایی در گذشته انجام داد. از جمله "وام بیگاری" نیم‌بندی را تصویب کرد که از ۲/۵ میلیون نفر بیگار، فقط ۱۲۰ هزار نفر را در برمیگرفت! اکنون که دولت موقت ضد انقلاب یورش همه جانبه خود را به دستاورد - های انقلاب آغا زکرده است، این عقب نشینی‌های محدود خود را پس می‌گیرد. دولت موقت ضد انقلاب اعلام کرده است که از اول مهرماه "وام بیگاری" نیم‌بند خود را دیگر برداخت نخواهد کرد!؟

کارگران مبارز!

در سندی‌ها و تشکیلات واقعی خود متشکل شوید!

حول شعارهای زیر، مبارزه متحدانه‌ای را پیش ببرید:

۱- "کار" ایجا دبايد گردد!

۲- "حق بیمه بیگاری" پرداخت باید گردد!

۳- کارگران نباید اخراج گردند!

۴- "خانه کارگر" آزاد باید گردد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۲/۹

## اخبار شهرستانها

### کرمان

مدتی پیش حدود ۱۲ نفر را از مس سرچشمه دستگیر کرده و به کمیته رفسنجان می برند. اغلب دستگیر شدگان کمانی بودند که در ساواک سابق پرونده داشتند و گویا بر اساس همان پرونده های قبلی پسران عثمان رفته بودند. یکی از آنها قبلاً ۲ سال زندانی سیاسی بوده است. بعد از بازداشت به خانه آنها هجوم می برند و تعدادی کتاب و نشریه با خود می برند. از خانه یکی از آنها دفترچه یادداشتی گیر می آورند که نویسنده پس از قیام، مطالبی را یادداشت کرده و ضمن آن نوشته بوده که چیزی تغییر نکرده، فقط مهرها جا بجا شده اند. این دفترچه بعنوان یکی از موارد اتهام هم- اکنون ضمیمه پرونده اوست. بطور کلی موارد جرم عبارت است از:

- ۱- قصد برای انداختن اعتماد به
  - ۲- سربعضی از آنها به کردستان (قبیل از جربانات اخیر کردستان).
  - ۳- مطالعه و داشتن کتب ضاله.
- پس از محاکمه تعدادی از آنها به ۱۵ سال حبس تعلیقی محکوم میشوند.

### خرمشهر

سازمان بنادر و کشتیرانی طی بخشنامه ای (۵۸/۶/۲۷) به خدمت تعدادی از ملوانان خود تحت نام، صرفه جویی در پرسنل خاتمه داد. ملوانان اخراجی طی نامه ای به بزرگان گفته اند: "همه ما بر اساس شغل و درآمد مورد پیش بینی مان، با دست به ازدواج زده و با تعهدات مالی پذیرفته- ایم، اکنون به پیوجیه مسئله اخراج برای ما قابل تحمل نیست." آنها بدینوسیله خواسته اند، بخشنامه مذکور نادیده گرفته شود.

### رشت

#### لوله تفنگ ارتجاع حاکم

#### بطرف خلق

روز ۱۷ شهریور در محله سردار جنگل (صمد بهرنگی) در شهر رشت برده ای که روی آن شمار "دولت بزرگان با کشتار درستی" ۱۷ شهریور دیگری بوجود آورده است نوشته شده بود نصب میشود و آتروز آغوندی بنام احسان بخت با عده ای فالانژ برای پاشین آوردن برده اقدام میکنند ولی اهل محل مقاومت کرده و موفق به پراکندن آنان می شوند بعد از مدتی فالانژها به سرکردگی طباطبائی و طباطبائی (طباطبائی ملحق به کلاکت می باشد) دانشجوی دانشکده ورزش رشت و

بقیه از صفحه ۲

ولایت فقیه ...

را در آنجا می کند و خیال می کند و با این "کشتن" می تواند جلوی فحشا را بگیرد." اما اعتراض آقای احمد خمینی چه فایده ای دارد، زیرا فحشا و از جمله آبت الله خمینی (عموماً گذشته و در سخنرانی روزهای آخر هفته گذشته) آنها را ناشد میکند و تازه نه مخالفت او و نه مخالفت حتی (بفرض محال) فقیه دیگر اثری ندارد. چرا که هر حاکم شرع و فقیه بطور خود مختار عمل میکند!

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۲

دعوا بر سر درآمد ...

از این نیز نمی توانست باشد، پاسخ به خواسته ها و توجه به مصالح و منافع کارگران و کارکنان زحمتکش شرکت نفت است. آنان که سیاست های فدکارگری حسن نژیبه را تجربه کرده اند و کارنامه سیاه او را قبلاً افشا ساخته اند، (خیلی زودتر از باصلاح طرفداری آقای اشراقی از کارگران و کارکنان در مقابل نژیبه- مراجعه تودیه کارنامه ۶ ماهه حسن نژیبه که بوسیله کارگران مبارز شرکت نفت منتشر شده است -) اکنون برنامهریز دولت شوروازی را در رأس شرکت نفت می بینند. کسی که بتواند تدوین کننده برنامه های اقتصادی رژیم کنونی، نقش اساسی در طراحی تمام برنامه های فدکارگری دارد، نخواهد توانست به درد کارگران و کارکنان برسد. اما مسلماً بمدد هوشیاری و افشاکسری کارگران و کارکنان مبارز و آگاه شرکت نفت، ماهیت فدکارگری این مدیر شوروا نیز مانند نژیبه، رو خواهد شد. هرچند که بدلیل مذهبی بودن وی، امکان عوامفریبی اندر میان کارگران و کارکنان نا آگاه افزونتر است.

بقیه از صفحه ۶

آقای بزرگان ...

ها بمراتب بیش از ارتجاع و امپریالیسم وحشت دارد و هر جا که منافع طبقاتی خود را در خطر ببیند آماده سازش با سببترین اشکال فاشیسم می باشد. در اینگونه مواقع او دیگر لیبرال و طرفدار قانون نیست. ماسک "دمکراسی" و "قانون" را کنار می زند و با آدمکشان و فاشیستها و امپری- بالیستها منافع و جهت مشترک پیدا میکند.



عضو گروه حرکت اسلامی است) با اهالی درگیر می شوند و طباطبائی مبادرت به تیسر- اندازی کرده و دو نفر را از ناحیه شکم و دیگری را از ناحیه کتف مجروح میسازد. مردم محل تا ساعت یک بعد از نصف شب در وسط خیابان بستم می نشینند و شعار میدهند که یکی از شماره های آنان (مرکز بر دولت ارتجاعی) بود.

### آمل

#### تظاهرات علیه گرانفروشی

روزشنبه ۵۸/۶/۲۱ پس از پایان سخنرانی فخرالدین حجازی در حسینیه ارشاد عدها نفر به تظاهرات می پردازند. تظاهرات ابتدا با شعارهایی مانند "چپ و راست نابود است- اسلام پیروز است" شروع می شود، اما پس از مدتی شعارها تغییر می کند و به صورت زیر در می آید:

"اتحاد، اتحاد، علیه مستکبرین"- "اسلام پیروز است، سرمایه دار نابود است"- "مشت گره کرده ما، علیه سرمایه دار".

"مستضعف پیروز است، سرمایه دار نابود است"- "احتکار، احتکار، خیانت است به قرآن".

### تبریز

#### تظاهرات بر ضد شهریه

دانش آموزان دبیرستانهای مختلف بخاطر لغو شهریه و اعتراض به تدریس زبان عربی و درخواست تدریس زبان ماسداری در تاریخ ۵۸/۷/۲ دست به تظاهرات زده اند. آنها در حالیکه بطرف اداره آموزش و پرورش در حرکت بودند شعار می دادند: نه فارسی، نه عربی آنادبلی (زبان مادری).

### تفتیش عقاید

شهریز- از ۶ نفر از محصلین دبیرستان دخترانه ایران دخت بخاطر داشتن افکار چپسی ثبت نام نکرده اند.

### اردبیل

رئیس کمیته ۱۷ شهریور اردبیل بنام ملابیدار به اتهام رشوه خواری کلان و همکاری با ساواک سابق، بتازگی دستگیر شده است.

## محض اطلاع!

روزنامه جمهوری اسلامی (۲ مهر) در مرگ ابوالاعلی مودودی - رهبر حزب دست راستی جماعت اسلامی پاکستان - نوحه سرداده اشک می ریزد، وقبحانه او را با مرحوم طالقانی مقایسه می کند...

اما برآستی او که بود؟ در یک کلام کافی است بگوئیم: جریانی که دارودسته آمریکائی، فاشیست مذهبی و آدمکش فیما - الحق را بنمایندگی از فتودانها و بورژوازی وابسته پاکستان طی یک کودتا بقدرت رساند و با سرکوب مداوم نیروهای مترقی در این کشور همسایه، پایه های تسلط امریکارا در منطقه تقویت نمود، بوسیله همین ابوالاعلی مودودی که بقول روزنامه جمهوری اسلامی "سرباز اسلام" و "متفکر بزرگ" بود براه افتاد.

اما چرا روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی و چندتن از آباء عظام نیز مرگ او را تسلیت گفته اند؟ جواب را خواننده میدانند که "عاقل را اشارتی کافی است".

همینجا بی مناسبت نیست یکی دیگر از "رهبران جهان اسلام" یعنی آیت الله سید محمد باقر صدر رهبر جنبش اسلامی در عراق را که باز روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی (شماره ۲۲ خرداد و روزهای قبل و بعد از آن) مورد "تجلیل" تبلیغاتی فراوان قرار داد در چند سطر معرفی کنیم: آیت الله سید محمد باقر صدر که مولف کتابهای "فلسفه ما" و "اقتصاد ما" می باشد در عراق حزبی مخفی دارد بنام حزب "الدعوة". مبنای این حزب از لحاظ ارتجاعی بودن قابل مقایسه با دو حزب دست راستی دیگر جهان عرب یعنی "اخوان المسلمین" و "التحریر" (۱) است، که بطور قطع مسورد حمایت امریکا و عربستان سعودی هستند. حزب "الدعوة" معتقد است که "اگر دولت اسلامی تشکیل شود چون بالاخره صفی است با باید متکی به امریکا باشد و با شوروی! اما چون شوروی ملحد است پس باید به امریکا متکی باشیم". ابد نیست اضافه کنیم که یکی دیگر از سران حزب "الدعوة" پسر بزرگ آیت الله حکیم بود که در سال ۵۲ بخاطر روایتی که از نجف با رژیم شاه داشت از عراق اخراج شد و مدتی را در ایران در کشف حمایت مسود محمدرضا شاه گذراند.

حالا بر طبق گفته: آدم را با بسداز همنشین اش شناخت. شناسائی این آقایان وطنی خودمان دشوار نیست که گفته اند: آباء را می جوید، گودال هر دو را.

(۱) هیأتی از همین "التحریر" فعلا در ایران است و آمده که با مقامات درباره ایجاد خلافت اسلامی مذاکره کند (نگاه کنید به اطلاعات دوم مهر). و آیا اگر اختلافی بین احزاب دست راستی منطقه زیر لوای اسلام بوجود آید، برای امپریالیسم مناسبترا زهیما نهائی نظیر سنتو نیست؟!؟

## دعوا بر سر درآمد هنگفت نفت!

### نگاهی به دعوی نریه و اشراقی

این روزها جدال سختی میان دولت رهبری روحانی بر سر مدیریت صنعت نفت در گرفته است. اشراقی فرستاده ویژه امام ازنا را به پیسی

## در هفته ای که گذشت

"کارکنان مستضعف و شریف" و "سیاست نریه در مدیریت صنعت نفت" وجود تبعیض بین کارگران و کارمندان و لزوم "پاکسازی" صنعت نفت دم می زند و آقای نریه ضمن تکذیب این ادعاها اعلام کرده است "تقدم ندارد فقط بخاطر این هو و جنجالها استعفا دهد".

چرا تناقضات و اختلافات میان دولت و قشر ممتاز رهبری روحانی امروز در مدیریت صنعت نفت استعکاس می یابد؟ بسیار رسا ده لوجانه است اگر با ورکنیم که این قشر ممتاز رهبری روحانی، قشری که چه عملا و چه از لحاظ قانونگذاری (با گنج نیدن مواد و از ادبیت فقهی) کوشش میکند در قانون اساسی مملکت و در دولت، امتیازات فراوانی برای خود کسب کند، واقعاً طرفدار حقوق کارگران صنعت نفت و پاکسازی این صنعت از عناصر فرزند مردمی است. شما می ماجر - های پس از قیام نشان دهنده، سنگبری سیاسی و طبقاتی رهبری روحانی در جهت محدود شدن های قیام بوده ها و از ادبهای دموکراتیک، کشتار خلقها، سرکوب کارگران و دهقانان در زحمت کش و نیروهای سیاسی طرفدار طبقه کارگران، رهبری روحانی سعی کرده هرگونه جنبش - اعتصابی و اعتراضی کارگران در مقابل استثمار و حشانه، سرمایه داران را با مارک کمونیست و ضد انقلاب درهم بکوبد، نظرات آرام کارگران بیکار که فقط خواهان کار برای امرار معاش خانواده، خود هستند، توسط کمیته ها و عوامل ارتجاع بکلوله بسته شده و کارگران و روشنفکران آگاه و انقلابی به بهانه غیر مذهبی پسوند از کارخانه ها و ادارات تصفیه میشوند. زیر پوشش مذهب مطبوعات و سازمانهای انقلابی مسورد هجوم گسترده، نیروها و عناصر فاشیست - قسار میکینند. "قشر ممتاز رهبری روحانی" از ابتدا در فکر گسترش و تحکیم قدرت دستگا ه مالی خاص خود نیز نبوده است. رهبری روحانی در اولین روزهای پس از قیام اعلام کرد که اموال مملکت در دست مقامات و وابستگان رژیم سابق مربوط به دولت نبوده و باید در اختیار دستگا ه خاصی که خود به نام مستضعفین ایجاد کرده، قرار گیرد.

خرج این رقمهای کلان و شیزم بالغ عظیم دیگری که به نامین متعدد و در حسابهای جداگانه و نیز از طریق وجوهات شرعی در اختیار قشر رهبری روحانی قرار میگردد، بدور از هرگونه نظارت و حسابرسی بوده و پیرا و خ است که به هرگونه ای که بصرف رسد نمی تواند در خدمت منافع گروهی و تحکیم قدرت سیاسی و مذهبی این قشر ممتاز رهبری روحانی نباشد ولی دولت نیز برای

تحکیم بوروکراسی، اداره امور اقتصاد و سیاسی کشور بر طبق منافع سرمایه داران و سرکوبی سیستماتیک جنبش زحمتکشان احتیاج به منافع عظیم مالی دارد و بدیهی است که عمده ترین منبع درآمد دولت در کشور ما نفت است. و لسی "قشر ممتاز رهبری روحانی" در این حال که با دولت در مورد سرکوب زحمتکشان و ایجاد نظم دلخواه کل بورژوازی منافع مشترک دارد، برای تحکیم قدرت سیاسی خود بعنوان یک قشر ممتاز طبقه، خاکمه مایل است عناصر وابسته خود را در کنترل این منبع عظیم درآمد بکار برد. هدف دیگر رهبری روحانی از تصفیه کردن صنعت نفت "تصفیه" این عظیمترین مرکز تجمع و سنگر مبارزاتی بیولنا ربا و کارگران انقلابی و آگاهان است. رهبری روحانی که رشد جنبش کارگری در این صنعت را در مد نظر دارد بخاطر خود در مدد پیگیری و جلوگیری از بروز اختلال در جریان بلائفقه، این منبع عظیم درآمد از طریق تشدید کنترل و اختناق است. دفاع از "کارگران مستضعف و شریف تنها پوششی است که منافع تنگ نظرانه، این آقایان را استتار می کند. در تأیید این مطلب می توان گوشه ای از نامه ۵ گروه اسلامی آبادان (کانون فتح، ستاد جبهه دسا زندگی، سپاه پاسداران، آراکه زیر نظارت و تحت تاثیر مستقیم روحانی هستند، ذکر کرد که در آن گفته میشود: "... عملکرد حداقل غیر انقلابی (نریه) محیط بسیار مساعدی را جهت فعالیت ضد انقلاب و رشد تک انحرافی و شرک آلود در صنایع نفت جنوب فراهم ساخته است. از سوی دیگر نریه که با تمام طبقاتی اش رقابتش را می شناسد، گفته است: "... احتیاط می کنم که داوطلبان احراز مقام مدیریت عامل شرکت نفت بی تاثیر در طرح این قبیل مسائل نیستند. " که این داوطلبان کسانی جز مستضعفین "قشر ممتاز رهبری روحانی" نمی توانند باشند.

زمانی که مقاله فوق نوشته شده بود، خبر انتصاب معین فر، به سمت وزیر نفت اعلام گردید این انتصاب از یک طرف و تبدیل "شرکت ملی نفت ایران" و ... به وزارتخانه اجزای دیگر حاوی نکات چندی است: برکناری نریه نشان داد که "قشر ممتاز رهبری روحانی" توانسته است یکی دیگر از لیبرالهای مذهبی (با کمترین مذهبی) را از ماشین دولتی تصفیه کند و بجای آن یک بورژوازی مذهبی را که وحدت عمل بیشتری با وی دارد، بر سر کار آورد. اما در مقابل، بورژوازی زرنگتر از آن است که آوازی مناسب به نفع خود بگیرد. او با تبدیل این شرکت (و توابع) به وزارتخانه یکسره نظارت و کنترل دائمی خود را بر این منبع عظیم مالی تضمین کرده است، چرا که در حالت قبلی امکان سلطه روحانی (مشروع و طلب) بر این مرکز اساسی درآمد بیشتر بود. بدین ترتیب جدال دو جناح "روحانی" و "دولتی" با آوازی روپناشی بشف "روحانیون" و امتیازی اساسی و در از مدت بشف دولست بورژوازی در این مرحله پایان پذیرفت. اما آنچه در اینجا همچنان بلا جواب مانده است و غیر بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۲

تقسیم سود سهام، نظر دولت را که با کارفرما در باره آن به توافق رسیده بود بدین صورت که ۱۲٪ سود بین سهامداران تقسیم شود، ۲۶٪ صرف گسترش شرکت و ۶۰٪ دیگر دست نخورده باقی بماند، اعلام داشت. شورا با این نظر مخالفت کرد و توسط نمایندگان گفتگوشا زمانی که کارفرما باقی مانده سود ویژه کارگران را که بالغ بر ۱۰ میلیون تومان می‌گردد، نهم‌ازد از تقسیم سود جلوگیری خواهد شد. در این موقع (و نیز قبلاً از تشکیل این جلسه) شعار:

سهام مستکبرین، بشفخ مستضعفین  
سهام بازاریان، بشفخ کارگران  
را سر دادند. آقای فرح بخش در مقابل کارگر-ان واکنش نشان داده و گفت که من نمی‌دانم که شما چقدر از کارفرما طلب دارید و غیره... مسئله، تقسیم سود سهام است و آنهم با توافق دولت و کارفرما تعیین شده و کارش تمام است. بنا بر این بهتر است در باره هیئت مدیره کارخانه صحبت کنیم. سخنان آقای فرح بخش با اعتراض کارگران مواجه می‌شود. نمایندگان کارگران می‌گویند تا تعیین تکلیف طلب ما از کارفرما، از تقسیم سود جلوگیری خواهیم نمود. در مورد هیئت مدیره

ما کاندیداهای خود را معرفی کردیم. نماینده دولت گفت که این درست نیست که کارگری که از مدیریت سر در نمی‌آورد، از پای ماشین مثلا بخت، بلند شود و در هیئت مدیره شرکت کند. و ترکیب هیئت مدیره را از نظر دولت چنین اعلام کرد: سه نفر از طرف کارفرما و دو نفر از طرف دولت. کارگران و نمایندگان نشان شدت با این نظر دولت مخالفت کردند. و تعجب می‌کردند که چطور نظر دولت در عرض یک روز تغییر کرده است! البته بعداً متوجه شدند که صبح همان روز آقای کارفرما به سازمان گسترش صنایع رفته بوده است، ولی این همه مسئله نیست. بلکه موضوع را باید در ماهیست دولت و رژیم حاکم جستجو کرد و اگر می‌بینیم که دولت از کارفرما پشتیبانی می‌کند نه صرفاً بخاطر مثلا اعمال نظر کارفرماست بلکه بخاطر ماهیست رژیمی است که مدافع سرمایه داران است و از همین رو هم سرمایه داران می‌توانند در چهارچوب این رژیم بشفخ خود اعمال نظر کنند. بالاخره کارگر-ان خواستهای خود را بدین شرح مطرح میکنند:

۱- بقیه طلب سود ویژه تا قبلاً از تقسیم سود سهام به کارگران پرداخته نشود.

۲- میزان سود سهام تا ۱۵۰ و با ۲۰۰ سهم که سهامداران جزء هستند تعیین و پرداخت شود، لیکن سود سهامداران عمده بماند.

۳- سهام کسانی که کار نمی‌کنند، مثل بازاریان... به کارگران واگذار شود.

۴- کارگران باید در هیئت مدیره افراد منتخب به ترکیب ۲، ۲، ۱ (۲ نفر از کارگران، ۲ نفر از کارفرما و یک نفر از دولت) داشته باشند. چون این نظرات هیچیک مورد قبول طرف

مقابل (کارفرما و دولت) قرار نمی‌گیرد جلسه بی نتیجه خاتمه می‌پذیرد در حالی که یک نفر از نمایندگان شورا در باره مدیریت اعلام کرد که اگر کارفرما با شرکت افسراره منتخب، موافقت نمی‌کند پس هیئت مدیره باید تحت نظر شورا باشد و شورا تحت نظارت کارگران. قرار شد نشیبه مجدداً جلسه تشکیل شود تا در آن تصمیم گیری بعمل آید.

## اعتصاب رتگران امیدیه

روز یکشنبه ۵۸/۷/۲۲ منطقه نفتی امیدیه برای چندمین بار شاهد اعتصاب رتگران بود. کارگران در اعتصابات مکرر خسود خواستار خلع بد از پیمانکار و رسمی شدن خود هستند. کارگران با اینکه چندین بار به اداره کارو کمیته رجوع کرده‌اند و تلگرافهایی هم به دفتر امام فرستاده‌اند، ولی تاکنون کوچکترین نتیجه‌ای عایدشان نشده است. مقامات مربوطه هر بار که با اعتراض آنها روبرو می‌شوند با وعده و پسا دعوت به صبر انقلابی دست پسرشان کرده‌اند لکن این بار کارگران تصمیم گرفته‌اند که تا انجام خواسته‌هایشان مقاومت نمایند.

## اصفهان

— در روزهای اول شهریور، به کارگران کارخانه نساجی تاج اصفهان خبر می‌رسد که رئیس اداره کار اصفهان بنام موبدی (بناگفته چندن از کارگران این شخص داماد آیت‌الله خادمی — یکی از سرشناسترین روحانیون اصفهان و نماینده این شهر در مجلس خبرگان — می‌باشد) گفته است که با اضافه شدن حقوق کارگران دیگر مزایایی از قبیل حق مسکن، حق عائله و... پرداخت نمی‌گردد. بسیاری از کارگران که پس از افزایش ادعای دستمزد کارگران توسط رژیم، به بهانه‌های مختلف حقوقشان اضافه نشده بود، از عدم پرداخت مزایا ناراحت می‌شوند و بعنوان اعتراض طوماری امضا می‌کنند و طی آن خواستار برکناری موبدی می‌شوند. اعتراض کارگران موثر واقع می‌شود و پس از چند روز بخشنامه ای به امضای موبدی به کارخانه میرسد که در آن قید شده بود مزایا به کارگران تعلق می‌گیرد.

## تبریز

کارگران ماشین سازی تبریز در تاریخ ۵۸/۷/۲۲ دست به اعتصاب می‌زنند و فسخن جمع در حیطه کارخانه خواسته های خود را اعلام می‌کنند.

برخی از خواسته های کارگران عبارت بود از:

- ۱- تقلیل ساعت کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته.
- ۲- کارگرانی که در خانه‌های سازمانی نمی‌نشینند به آنها حق مسکن داده شود.

## خبری از کارخانه صنعتی مهر

در کارخانه صنعتی مهر دربی اخراج عده ای از کارگران قدیمی در تاریخ ۵۸/۶/۱۱ از طرف کارگران شکایتی تنظیم می‌شود و بطور مخفی به امضا عده ای از کارگران می‌رسد پس این شکایت نامه به کمیته محل شورای همبستگی کارخانجات شرق تهران داده می‌شود. خواستهای شرح کارگران، باز گرداندن کارگران اخراجی، تصفیه "سالاروند" مسئول کارگزینی که ساواکی و فاسد است و نیز تشکیل شورای کارگران بوده است. اقدام کارگران با واکنش کارفرما و ابعادش مواجه می‌شود که تهدید و تشویق کارگران و کوشش برای تفرقه در میان آنها جزئی از این واکنش بوده است. ولی کارگران از پهای نمی‌نشینند و در روز ۵۸/۶/۱۲ موفق به تشکیل شورای خود می‌شوند، ولی در مسورد بازگشت کارگران اخراجی به نتیجه‌ای نمی‌رسند. و قضیه به کمیته مرکز ارجاع می‌شود. و بدینال آن در روز یکشنبه درگیری ای بین کارفرما و نمایندگان شورا پدید می‌آید و کارفرما تهدید می‌کند که کارخانه را تعطیل می‌کند، که با جواب یک پارچه کارگران روبرو می‌شود که "کارخانه را بزور باز می‌کنیم".

بعد از ظهر همین روز نماینده کمیته مرکزیه کارخانه می‌آید و ضمن مخالفت با بسته شدن کارخانه، قول حل مسئله را می‌دهد ولی با فوت آیت‌الله طالقانی قضیه چند روزی دچار وقفه می‌شود و کارفرما از فرصت استفاده کرده و پرونده را از کمیته مرکز به کمیته صنفی امام (کده) آنها عواملی داشته (میبرد. نمایندگان این کمیته جلسه ای با نمایندگان شورا و کارفرما در تاریخ ۶/۲۹ تشکیل می‌دهند و در آن جلسه کارفرما خواستار انحلال شورا و همچنین اخراج یکی از نمایندگان شورا می‌گردد که با مخالفت شدید نمایندگان شورا روبرو می‌شود و حتی یکی از نمایندگان جلسه را ترک می‌کند. جلسه بدون نتیجه پایان می‌یابد و قرار می‌شود که نمایندگان کمیته تلفنی با شورا تماس گرفته و روزی را برای مذاکره و حل و فصل قضیه تعیین کنند. که البته تا کنون (یکشنبه ۵۸/۶/۳۱) خبری نشده است.

## تهران

روز ۵۸/۶/۳۱ کارگران شرکت مهب جلوی وزارت کار اجتماع کرده و ضمن دادن شمار به نظرات می‌پردازند. کارگران خواهان رسیدگی به خواسته‌هایشان بودند.

نان، مسکن، آزادی



## جنبش کارگری

### اخباری از:

#### مبارزه کارگران شرکت تکنوکار

تهران - چند روزی است که کارگران شرکت تکنوکار در محل شرکت متحصن شده - اند. آنها خواستار دولتی شدن کارخانه مذکور می باشند. به قسمتی از اعلامیه آنها که توسط خود کارگران در حالیکه لباس کار بپوشیده بودند، پخش می شود با ارائه کسارت کارخانه تکنوکار از مردم دعوت می کردند به متحصنین بپیوندند، توجه کنید. آنها پس از اشاره به تاریخچه مبارزاتشان در کارخانه با کارفرما می نویسد:

"... کارفرما در نامه ای که به کارخانه فرستاده کارگران را تهدید به اخراج کرده و از آنها خواسته روزی ده نفر به حسابداری شرکت بیایند و سوبیه حساب کنند برادران کارگر، کارفرمای مزدور ما درحالیکه بی خانوادگان درویشیهای آمریکا بیتناریا به نش مشغول خوشگذرانی است ما حتی کرانه خانه و پول شیرخاک بچه نداریم. برادران کارگر ما هیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. کارفرما تا بحال به ما برچسب زیادی زده است و ما از برچسب های کارفرما بی ترسی نداریم. بنابراین این ما کارگران تکنوکار خواستار دولتی شدن کارخانه هستیم."

اعلامیه مذکور با شعار "مرگ بر سرمایه داران وابسته" پایان می گیرد.

#### عده ای از کارگران جنرال موتورز:

عده ای از کارگران جنرال موتورز طی اعلامیه ای که با تسلیم به زحمتکشان به مناسبت درگذشت آیت الله طالقانی، آغاز شده است. در معرفی دشمنان طبقه کارگر می نویسد:

"اینها کسانی هستند که از سرمایه داران فراری (امثال رضایی ها، خیامی ها و...) برای سرمایه گذاری مجدد در ایران دعوت می کنند. (این دعوت توسط مولوی رئیس بانک مرکزی بعمل آمد.)"

اینها کسانی هستند که خواهان بوجود آوردن "نیروی ویژه" که همان "اداره حفاظت رژیم سابق است و فقط نامش عوض شده است. می باشند رژیم گذشته برای سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران بوسیله ساواک اداره حفاظت را در کارخانه بوجود آورده بود. اداره حفاظت کارگران مبارز را

شناسایی میکرد و به ساواک گزارش میداد. اکنون "نیروی ویژه"، همین کار را میکند و به کمیته ها گزارش میدهد و با مبارک ضد انقلابی و کمونیست او را اخراج و دستگیر میکنند.

اینها کسانی هستند که با زدن مبارک تجزیه طلب به خلق کردستان، مبارزات حق طلبانه آنها را وحشیانه سرکوب می کنند. این بیشترین از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات جیره خوار که اخباری برپا دروغ در باره کردستان منتشر میکنند، توده های ناآگاه مردم را که از واقعات امر اطلاعی ندارند، فریب میدهند و آنها را بسوی برادر کثی بسوی کردستان بسیج میکنند آنها برای این سرکوب ۲/۵ میلیارد دلار قطعات بدکی و مهمات نظامی از آمریکا خریداری کرده اند. اینها "دولت موقت جمهوری اسلامی ایران" و قشری از روحانیون مرتجع هستند واقعا هم این کارها از طرف دولت موقت انتظار می رفت. دولت موقتی که ریاستش بازرگان، در اردیبهشت ۵۷ به "حضور ملوکانه" نامه می نویسد به شاه جنایتکار از خطرات او جگیرنده توده ها هشدار میدهد بازرگانی که فقط خواهان اجرای قانون اساسی بود و نه سرنگونی سلطنت.

#### اعتصاب در گشت و صنعت کارون

بدنبال اخراج عده ای از کارکنان مبارز گشت و صنعت و کارون به بهانه ماژاد بر احتیاج، کارگران و کارمندان شرکت در روزهای ۵۸/۶/۳۱ و ۵۸/۷/۱ به اعتراض بر - خاسته و دست به راهپیمایی در محل شرکت زدند. این حرکت که ابتدا از قسمت انبارها شروع شده بود. بعداً قسمتهای دیگر را نیز در بر گرفت. تهدید و ارعاب مدیران شرکت و کارکنی کمیته اسلامی نتوانست کارگران را که مصمم به اعتصاب بودند از تصمیمشان باز دارد.

با ساداران اعزامی از دزفول نیز که برای شکستن اعتصاب آمده بودند، نتوانستند در مقابل کارگران و کارمندان شرکت مقاومت نمایند. رئیس با ساداران پس از مذاکره با کارکنان اعتصابی تعهد کتبی داد که کلیه خواسته های اعتصابیون ۱۶ مهر ماه برآورده گردد و کارگران نیز تا آن تاریخ سرکار خود حاضر شوند. مهمترین خواسته های کارکنان عبارت بود از:

- ۱ - اخراج مدیرت شرکت.
  - ۲ - تشکیل شورای کارکنان.
  - ۳ - بازگشت کارگران اخراجی به کار.
- مشروح این خبر در شماره آینده از نظران خواهد گذشت.

#### گزارشی از کارخانه گروه صنعتی پارس (مینو)

صبح روز ۵۸/۶/۲۲ طی اعلامیه ای با اطلاع عموم سها مداران جز' و کل شرکت رسید که در جلسه بعد از ظهر برای بررسی بود و زبان سال گذشته و تقسیم آن شرکت نمایند. افراد شورا و کارگران که غافلگیر شده بودند در مدد برآمدند که مانع از انجام این کار شوند، لذا به کارگران سها مدار و غیرسها مدار گفتند که در جلسه شرکت نمایند. این حاج علی خسرو شاهی، و نماینده دولت از سازمان گسترش صنایع تشکیل شده بود سها مختراتی دو تن از نمایندگان شورا متشنج شد. شورا عمل کارفرما را که اولاً در آخرین مهلت تعیین شده از طرف دولت (کوبا) تمام کارخانه ها مکلف بوده اند که تا پایان شهریورماه بیلان خود را به دولت گزارش کنند. جلسه را تشکیل داده و تا نیا کارگران را در صبح آرزو از موضوع آگاه کرده، محکوم کرد. در پایان جلسه نماینده دولت بظا هربا کارگران همراهی کرده و قرار بر این شد که برای تعیین هیئت مدیره شرکت، دونفر از طرف کارفرما، دونفر از طرف کارگران و یک نفر از طرف سازمان گسترش صنایع انتخاب شوند. در روز ۶/۲۸/۵۸ شورا طی اعلامیه ای از کلیه کارگران کارخانه دعوت میکند در جلسه ای که به شافق کارفرما و نماینده دولت به منظور تقسیم مودسها م که بالغ بر ۱۲۰ میلیون تومان در سال ۵۷ میباشد و نیز تعیین هیئت مدیره کارخانه در ساعت ۱۴/۳۰ شرکت کنند.

کارگران محل جلسه را با دوشعار "هیئت مدیره تحت نظارت شورا و شورا تحت نظارت کارگران" و "تنها آنان که کار میکنند حق دارند سرنوشت خود و کارخانه را بدهد بگیرند" آراستند و جلسه با سخنرانی نمایندگان شورا و با اعلام کاندیداهای منتخب شورا برای هیئت مدیره آغاز شد. در این جلسه، نماینده دولت، آقای فرح بخشی، کارفرما و سهام داران عده حضور داشتند. بعد از صحبت های کارگران، ابتدا آقای فرح بخشی در باره بقیه در صفحه ۱۳

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر